



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A comparative study of the crime of fraudulent use of insurance benefits in Iranian and American criminal law

A. Khaleghi¹, D. Seify Qareyataq^{2*}

¹ Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

² Department of Law, Faculty of Literature and Human Science, University of Zabol, Zabol, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 31 May 2021

Revised 08 November 2021

Accepted 19 January 2022

Keywords:

Compulsory Third Party Insurance

Fraudulent Use

Fake Accident

Insurance Crimes

USA Law

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The extent of fraudulent use of insurance benefits is one of the basic problems of social and commercial insurances, which causes huge damage to policyholders, insured persons and society. To combat this abnormality, our legislator criminalized Article 97 of the Social Security Law and Article 61 of the Third Party Insurance Law, approved in 2016, as an independent crime and imposed two punishments, imprisonment and a fine. In American law, at the federal level, fraudulent use is prosecuted under general headings such as fraud, however, some forms of fraudulent use are considered an independent crime in Article 1033, Chapter 18 of the Criminal Code. Following the latter approach, all states have criminalized all forms of fraudulently obtaining benefits as a specific offense.

METHODS: The method which is used in this research is analytical and descriptive, which explains and infers legal materials with the methods of legal and interpretive reasoning.

FINDINGS: The research carried out is showing that there are many ambiguities in terms of the constituent elements of crime and punishment. In both penal systems, the mentioned crime is amongst the intentional crimes whose physical behavior constitutes a positive material act, with the difference that some states have exceptionally accepted the omission of the act in workers' insurance. Also, in both models, the fact that the operation is fraudulent is a condition that must precede the collection of funds and its cause; However, unlike fraud, there is no need for negligence on the part of the organization or the insurer. In terms of the element of result, American law does not consider the realization of loss or the acquisition of benefits as a condition, but in Iranian law, the crime under Article 61 is a restricted crime and the benefit of the perpetrator is a condition. However, Among the opinions, regarding the absoluteness or binding nature of the crimes under Article 97, the legal principles and interpretation, in favor of the accused, are more compatible with the theory of obligation. The penal policy of our legislator is dual and ramshackle, and legislatively, it has chosen a strict form in the third party insurance law, this duality is the product of two agents of time and different modality of insurances. In the American system, the aforementioned crimes are punishable, but with the approval of Article 15 of the Law on Reduction of Imprisonment in 2019, they are subjected to the general provisions of Article 122 and are not punished. From the point of view of formal rules of crime, fraudulent use is subject to the passage of time due to its penal nature. The crime under Article 97 is a forgivable crime and depends on the organization's complaint, but the fraudulent acquisition of third-party insurance becomes unforgivable, which is in line with the general principle of crimes.

CONCLUSION: Examining different dimensions of the issue shows that the existing penal policy is far from the ideal situation and cannot achieve the goals of the legislator. On the other hand, unlike the United States, this policy will be unilateral and to the detriment of the insured, and it will not cover the criminal behavior that companies use to defraud the insured from legal benefits. In order to fix these disadvantages, it is necessary to amend the mentioned articles and determine the punishments according to the severity and importance of the crime. In this article, the fraudulent use of insurance benefits was investigated in the light of the Iranian and American criminal systems, with a view to the approval of new laws, including the revised penal law of 2019.

*Corresponding Author:

Email: dseify@uoz.ac.ir

Phone: +9821 61112374

ORCID: [0000-0003-2626-2837](https://orcid.org/0000-0003-2626-2837)

DOI: [10.22056/ijir.2022.04.06](https://doi.org/10.22056/ijir.2022.04.06)

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).





مقاله علمی

مطالعه تطبیقی جرم استفاده متقلبانه از مزایای بیمه‌ای در حقوق کیفری ایران و آمریکا

علی خالقی^۱، داود سیفی قره‌یتاق^{۲*}

^۱ گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۰ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۱۷ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۹ دی ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

استفاده متقلبانه

بیمه اجباری شخص ثالث

حقوق آمریکا

تصادف ساختگی

جرایم بیمه‌ای

نویسنده مسئول:

ایمیل: dseify@uoz.ac.ir

تلفن: +۹۸۲۱ ۶۱۱۱۲۲۷۴

ORCID: 0000-0003-2626-2837

چکیده:

پیشینه و اهداف: رشد فزاینده پدیده تقلب در بیمه‌های اجتماعی و تجاری که خسارت هنگفتی را بر طرفین بیمه و جامعه وارد می‌سازد، قانون‌گذار ما را بر آن داشت که به موازات تخلف‌انگاری حداکثری، به وسیله‌ی ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ نیز اقدام به جرم‌انگاری آن به‌عنوان جرمی مستقل کند. در حقوق آمریکا نیز در سطح فدرال، استفاده متقلبانه تحت عناوین عام چون کلاهبرداری تعقیب می‌شود؛ باین‌حال بخشی از اشکال استفاده متقلبانه در ماده ۱۰۳۳ باب ۱۸ کد جزایی، جرم مستقل به‌حساب می‌آید. در تبعیت از رویکرد اخیر، همه ایالت‌ها، تمامی اشکال تحصیل متقلبانه مزایا را به‌عنوان جرم خاص طبقه‌بندی و کیفر گذاری کرده‌اند.

روش‌شناسی: روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیلی و توصیفی است که با روش‌های استدلال حقوقی و تفسیری به تبیین و استنتاج مواد قانونی می‌پردازد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد، از حیث عناصر متشکله جرم و مجازات، ابهامات بسیاری وجود دارد. به‌رغم تشابهات میان جرم تحصیل متقلبانه مزایا در بیمه اجتماعی با شخص ثالث، افتراقاتی نیز در حوزه قواعد ماهوی و شکلی یافت می‌شود. در هر دو نظام کیفری، جرم مزبور در زمره جرائم عمدی است که رفتار فیزیکی آن را فعل مادی مثبت تشکیل می‌دهد با این تفاوت که برخی ایالت‌ها استثنائاً ترک فعل را در بیمه کارگران پذیرفته‌اند.

در هر دو نظام، متقلبانه بودن عملیات شرط است که بایستی مقدم بر تحصیل وجوه و علت آن باشد؛ اما به نظر برخلاف کلاهبرداری لزومی به اغفال سازمان یا بیمه‌گر نیست. از جهت عنصر نتیجه، حقوق آمریکا تحقق ضرر یا تحصیل مزایا را شرط نمی‌داند ولی در حقوق ایران، جرم موضوع ماده ۶۱ مقید بوده و انتفاع شخص مرتکب شرط است. نسبت به مطلق یا مقید بودن جرائم موضوع ماده ۹۷ نیز از میان دیدگاه‌ها، اصول حقوقی و تفسیر به نفع متهم یا نظریه تقید انطباق بیشتری دارد. سیاست کیفری قانون‌گذار ما دوگانه و متزلزل است و مقنن در قانون بیمه شخص ثالث شکل سخت‌گیرانه را برگزیده است، این دوگانگی محصول دو عامل زمان و ماهیت مختلف بیمه‌هاست. در نظام آمریکا شروع به جرائم مزبور، وصف جزایی دارد اما با تصویب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس ۱۳۹۹ شروع به آنها دیگر تابع عمومات ماده ۱۲۲ ق.م.ا گشته و فاقد مجازات‌اند. از منظر قواعد شکلی جرم استفاده متقلبانه به دلیل ماهیت تعزیری‌اش، مشمول مرور زمان می‌شوند. جرم موضوع ماده ۹۷ جرمی قابل گذشت و منوط به شکایت سازمان می‌باشد ولی تحصیل متقلبانه خسارت بیمه شخص ثالث، غیرقابل گذشت محسوب می‌گردد که منطبق با اصل عمومی بودن جرائم است.

نتیجه‌گیری: بررسی ابعاد مختلف موضوع نشان می‌دهد سیاست کیفری موجود، با وضعیت مطلوب فاصله بسیار دارد و نمی‌تواند به اهداف مقنن دست یابد. از طرفی برخلاف آمریکا این سیاست یک‌جانبه‌گرا و به ضرر بیمه‌شده است و رفتارهای مجرمانه‌ای که شرکت‌ها با حیله و تقلب، بیمه‌گذار را از مزایای قانونی محروم سازند در برنمی‌گیرد. برای رفع این معایب لازم است مواد مزبور مورد اصلاح قرار گرفته و مجازات‌ها متناسب با شدت و اهمیت جرم تعیین گردد. در این نوشتار با امعان نظر به قوانین جدیدالتصویب، من جمله قانون مجازات‌ات اصلاحی ۱۳۹۹، به بررسی استفاده متقلبانه از مزایای بیمه‌ای در پرتو نظام کیفری ایران و آمریکا می‌پردازد.

DOI: 10.22056/ijir.2022.04.06

متقلبانه مانند صحنه‌سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می‌شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می‌باشد.»

در ادبیات حقوقی ما، تحقیق مستقلی درباره جرم استفاده متقلبانه از مزایای بیمه صورت نگرفته است. تحقیقات موجود به تبیین روش‌های کشف تقلبات بیمه از حیث اقتصادی و علوم بیمه‌ای و عوامل بروز آن می‌پردازند (Tavajohi and Heydari Seraj, 2017). در تحقیقی به بررسی امکان اطلاق جرم کلاهبرداری در بیمه و قواعد آن پرداخته‌اند که منصرف از موضوع ما به‌عنوان جرم مستقل است. به‌علاوه، تحقیق آنان هیچ اشاره‌ای به ماده ۹۷ ق.ت.ا و ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث نکرده است. تحقیق حاضر از حیث رویکرد تطبیقی و تبیین سیاست کیفری نیز بدیع می‌باشد و تلاش دارد با لحاظ قوانین جدید بیمه شخص ثالث ۱۳۹۵ و قانون مجازات اصلاحی ۱۳۹۹ موضوع را مورد کاوش قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

عنصر قانونی جرم تحصیل متقلبانه مزایا

روش مرسوم در بین حقوقدانان این است که عنصر قانونی جرم را به‌عنوان مقوله جدا بحث می‌کنند که این امر تبیین مباحثی چون تحولات تقنینی راجع به جرایم و نسخ و عدم نسخ مواد قانونی را فراهم می‌سازد.

مستند قانونی: عنصر قانونی جرم استفاده غیرقانونی از مزایای بیمه‌ای، ماده ۹۷ در قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و ماده ۶۱ در ق.ب.ا.ش.ث است که پیش‌تر گفته شد. در حقوق آمریکا قانون فدرال به تقلب در بیمه به‌مثابه جرم متمایز توجه نمی‌کند، اما برخی از اشکال استفاده متقلبانه از مزایای بیمه می‌تواند تحت پوشش کلاهبرداری از طریق پست (ماده ۱۰۲۹ فصل ۴۷) و کلاهبرداری از طریق رایانه (۱۰۳۰ باب ۱۸) به دولت صلاحیت رسیدگی به تقلب بیمه‌ای دهد که بر تجارت بین ایالتی تأثیر می‌گذارد. دولت فدرال با توجه به اختلافی که کلاهبرداری سنتی با دریافت فریب آمیز مزایای بیمه دارد، برای پوشش این اعمال قانون جزایی را اصلاح و ماده ۱۰۳۳ باب ۱۸ را به تقلب در بیمه توسط افراد شاغل در تجارت بیمه بین ایالتی اختصاص داد که طیف وسیعی از رفتار را از اظهارت دروغ و عملیات متقلبانه به قصد فریب تا اختلاس و رفتار تهدیدآمیز در بر می‌گیرد. لذا در آمریکا عنصر قانونی جرم تحصیل غیرقانونی مزایا را باید مواد ۱۰۲۹،

در قوانین تأمین اجتماعی و قانون بیمه اجباری شخص ثالث، شرایط استفاده از مزایا و حمایت‌ها تعیین شده و کسانی مستحق استفاده از آن مزایا هستند که جامع شرایط قانونی باشند. باین‌حال، بسیاری از افراد سعی دارند با روش‌های متقلبانه از مزایا بهره‌مند شوند. برای مقابله با این پدیده، قانون‌گذاران آمریکا و ایران به ابزار کیفری روی آورده‌اند. در ایران، نخستین بار مقنن در سال ۱۳۵۴ در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی استفاده متقلبانه از مزایای تأمین اجتماعی را جرم انگاری کرد و پس از آن در سال ۱۳۹۵، بار دیگر در ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی در قبال شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ استفاده ناروا از مزایای بیمه شخص ثالث را در قالب جرم مستقل با مجازات متفاوت و رویکرد شدیدتری جرم‌انگاری نمود. در کنار اتخاذ سیاست کیفری متفاوت در دو قانون فوق، قانون‌گذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ مقررات مختلفی برای مجازات جایگزین حبس وضع کرده و گاهی اعمال آن را الزامی دانسته است. لذا نسبت جرائم خاص بیمه با مجازات جایگزین حبس از حیث شمول و تسری قواعد عمومی قانون ۱۳۹۲ (تعدد و تکرار و شروع به جرم و...) به قوانین سابق بیمه مانند ماده ۹۷ ق.ت.ا. از موضوعات قابل تأمل در حمایت کیفری از صنعت بیمه است.

علاوه بر این، مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تغییراتی را پیش‌بینی کرد که با برخی قوانین بیمه‌ای در حوزه مجازات تعارض دارد. برای مثال، ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث با وجود آنکه ماهیت کلاهبرداری دارد که تا یک‌صد میلیون تومان قابل گذشت است، نه تنها مجازاتش تقلیل نمی‌یابد، بلکه به‌طور مطلق غیرقابل گذشت تلقی می‌شود، یا مجازات شروع به جرم ماده ۶۱ بسیار شدیدتر از مجازات کلاهبرداری است. به‌طور خلاصه، وضعیت اعمال مقررات کاهش مجازات حبس تعزیری با توجه به منطوق ماده ۱ و ۱۵ آن و خاص بودن قوانین بیمه‌ای مشخص نیست که همین امر، ارزیابی درجه بازدارندگی مجازات‌ها و سطوح حمایت کیفری از صنعت بیمه را دشوار می‌نماید.

در حقوق آمریکا، جرایم بیمه جرم اقتصادی و شغلی محسوب می‌شود، اما در ایران وضعیت اعمال سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم اقتصادی نسبت به جرایم بیمه‌ای مشخص نیست. لزوم تبیین عناصر مادی، معنوی و مجازات استفاده متقلبانه از مزایای بیمه در کنار پاسخ به پرسش‌های فوق، بررسی سیاست کیفری ایران در قبال این جرم را ضروری می‌سازد که در این نوشتار با رویکردی به حقوق آمریکا به مثابه حقوق پیشرو در زمینه بیمه به شرح و تفصیل آن می‌پردازیم. قبل از ورود به بحث اصلی متن ماده ۶۱ ق.ب.ا.ش.ث ذکر می‌گردد: «هرکس با انجام اعمال

(Habibzadeh, 1998; Tavajohi and Heydari Seraj, 2017).

حال با قبول نظریه کلاهبرداری، درباره قسمت دوم پرسش یعنی نسخ قانون عام مؤخر با قانون خاص مقدم نیز دو نظریه عمده مطرح می‌شود. از نظر فقها، متقدم حکم عام لاحق حکم خاص سابق را نسخ می‌کند، اما مشهور فقها معتقدند که عام مؤخر، خاص سابق را تخصیص نمی‌زند (Mouzafer, 1992). در نظام حقوق ما نیز رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ برای پایان دادن به اختلاف نظرها، نظریه دوم را اختیار نمود. بنابراین، از نظر هیئت عمومی عام لاحق، خاص سابق را نسخ نمی‌کند، بدین لحاظ، ماده ۹۷ ق.ت. که خاص و مقدم بر قانون تشدید بوده است قانون مصوب ۱۳۶۷ را تخصیص می‌زند. به دیگر سخن، ماده ۹۷ ق.ت.ا به اعتبار خود باقی است و تمام ارکان جرم استفاده متقلبانه از مزایای ماده ۹۷ ق.ت.ا تبعیت می‌کند. در رابطه با نسبت ماده ۱ قانون تشدید با ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث نیز با توجه به زمان تصویب ماده ۶۱ در سال ۱۳۹۵، ماده ۱ قانون تشدید بر تقلب در بیمه حاکم نیست. زیرا مقنن با علم به وجود قانون تشدید، مجازات و عناصر استفاده متقلبانه از مزایای بیمه را به قانون مزبور ارجاع نداد و از طرفی، طبق قاعده اصولی «خاص مؤخر، عام مقدم را نسخ می‌کند».

تحصیل متقلبانه خسارات به مثابه جرم خاص

نخستین بار، تبصره ماده ۶۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجازات کلاهبرداری را برای جرمی در نظر گرفت. به موجب این ماده «هر شخصی که بدون داشتن پروانه نمایندگی برای هر یک از رشته‌ها قبول بیمه نماید، به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود.» همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، جرم جعل عنوان نمایندگی بیمه یکی از صور خاص کلاهبرداری و در حکم کلاهبرداری می‌باشد و تنها موردی از مصادیق کلاهبرداری بیمه‌ای است که قانون بیمه مرکزی ایران به آن اشاره نموده است. حتی قانون‌گذار از لفظ «در حکم کلاهبرداری» استفاده نکرد و تنها به اعمال مجازات کلاهبرداری بسنده نمود که نشان می‌دهد قانون‌گذار به‌رغم شباهت میان این دو جرم آنها را کاملاً منطبق بر هم نمی‌بیند. در سال‌های بعد در زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی (ماده ۹۷)، مقنن با علم به وجود ماده ۶۹ ق.ب.م.ا.ب برای استفاده متقلبانه از مزایای تأمین اجتماعی چه از حیث عنوان و چه از حیث کیفر، از ارجاع به کلاهبرداری و مجازات آن اجتناب نموده و بعدتر نیز همین رویه را در زمان تصویب ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث ۱۳۹۵ در پیش گرفته و برای دریافت متقلبانه اموال از بیمه‌ها، ماده‌ای مجزا با مجازات شدیدتر وضع نموده است که دلالت بر مستقل بودن در هر دو قانون دارد. مضاف بر این،

۱۰۳۰، ۱۰۳۳ و ۱۳۴۷ مصوب ۱۹۹۴ دانست (Lafave, 2017).

قسمت (a) ماده ۱۰۳۳ مقرر می‌دارد: «هرکسی که در تجارت بیمه یا فعالیت‌های آن که بر تجارت بین ایالتی تأثیر می‌گذارد مشغول است، آگاهانه و به قصد فریب، هرگونه اظهارات یا گزارش مادی خلاف را ارائه می‌دهد یا عمداً ارزش زمین، اموال یا امنیت را بیش از حد ارزش‌گذاری کند که الف) در ارتباط با هرگونه گزارش مالی یا اسناد ارائه‌شده به هر یک از مقامات یا نمایندگان بیمه‌ای یا نماینده یا بازرس یا آژانس برای بررسی امور چنین شخصی و ب) به منظور تأثیرگذاری بر عملکردهای چنین مقام رسمی یا نمایندگی یا بازپرس تعیین شده باشد، طبق بند (۲) مجازات خواهد شد.

(۲) مجازات جرم مطابق بند (۱) جزای نقدی معادل اموالی است که تحت این عنوان ادعا شده یا حبس حداکثر ۱۰ سال یا هر دو، اما اگر اظهارات یا گزارش یا ارزش‌گذاری بیش از حد، ایمنی و سلامت بیمه‌گر را به خطر انداخته و یا سبب اصلی در معرض حفاظت بازرسی قرار گرفتن بیمه‌گرها یا انحلال آنها توسط دادگاه بوده باشد، مدت حبس حداکثر ۱۵ سال خواهد بود.» در سطح ایالتی، قوانین اغلب ایالت‌ها شامل ممنوعیت خاصی درباره طیف وسیعی از تقلب در بیمه به‌عنوان جرم مستقل است، اگرچه ایالت اورگان و اوهایو تنها برخی از اشکال تقلب در بیمه اموال و کارگران را جرم دانسته‌اند. از حیث قلمرو جرم و کیفر، تفاوت‌هایی بین ایالت‌ها مشاهده می‌شود. اما در مقایسه با قانون فدرال با تفصیل بیشتری به تقلب بیمه‌ای پرداخته‌اند، مثلاً طبق ماده ۵۴۸ کد جزایی کالیفرنیا «هرگونه ایجاد آگاهانه تخریب، تصادف ساختگی، مخفی کردن یا رها کردن وسیله نقلیه به‌منظور دریافت مزایا ممنوع است و مرتکب به دو تا ۵ سال زندان یا جریمه تا ۵۰ هزار دلار محکوم می‌شود، و در ماده ۵۵۰ «ارائه بیمه‌نامه متعدد یا تهیه و ارائه اظهارات نادرست با قصد فریب» عنصر مادی جرم تقلب در بیمه را تشکیل می‌دهد.

در حقوق ما پرسشی که در این راستا مطرح می‌شود ماهیت جرایم مذکور است. اینکه جرم مذکور از جرایم خاص مذکور در سایر مقررات به حساب می‌آید یا جرم موضوع ماده ۹۷ و ماده ۶۱ یکی از صور خاص کلاهبرداری محسوب می‌شود؛ در این صورت آیا با تصویب ماده ۱ قانون تشدید که مؤخر بر قانون تأمین اجتماعی و مقدم بر ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث است ماده ۹۷ ق.ت. نسخ ضمنی گردیده است یا خیر؟

در پاسخ به این سؤالات دو دیدگاه مطرح شده است. پاره‌ای از حقوقدانان ماهیت جرم استفاده لاحق از مزایای بیمه‌ای را قابل انطباق با کلاهبرداری دانسته و قواعد حاکم بر کلاهبرداری در عناصر سه‌گانه را به آن تعمیم داده‌اند

مذکور در ماده ۶۱ و عبارت «به استناد اسناد و گواهی خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی» در ماده ۹۷ مستفاد می‌شود جرایم مزبور صرفاً با فعل مثبت صورت می‌پذیرد، زیرا افعال «استفاده کردن، توسل جستن، استناد کردن، انجام عمل، تصادف کردن، تعویض خودرو، ایجاد کردن خسارت عمدی» همگی از افعال مثبت تلقی می‌شوند.

در حقوق آمریکا نیز از بررسی مواد ۱۰۳۳ و ۱۳۴۷ در سطح فدرال برمی‌آید «اظهارات دروغ، ارائه گزارش مادی خلاف»، «ارزش‌گذاری بیش‌ازحد» و «ایجاد هرگونه طرح یا تصنعی یا اقدام به آن» پایه‌های اساسی تقلب در بیمه را تشکیل می‌دهد که همگی دلالت بر مثبت بودن فعل دارد. در ماده ۱۰۳۰ نیز که به کلاهبرداری رایانه مرتبط است، رفتار فیزیکی ساختن و تولید و استفاده، دریافت و ارسال اطلاعات و دسترسی غیرمجاز و غیره عنوان شده است. علاوه بر این، قانون‌گذار فدرال مطابق ماده ۱۰۴۳ هرکس را که «طرح یا تصنعی را ابداع کند یا اقدام به ابداع کند و این قصد و ساختن برای فریب یا کسب دارایی به وسیله جعلی یا بازنمایی تقلب باشد یا موجب ارسال چیزی از طریق سیم و رادیو باشد، مجرم شناخته و به حبس کمتر از ۲۰ سال یا جریمه یا هر دو محکوم می‌کند». رفتار فیزیکی در تقلب بیمه‌ای اختصاص به موارد یادشده ندارد، بلکه هر عمل و طرح و رفتار متقلبانه‌ای که مرتکب آن را با قصد فریب انجام می‌دهد، جزو عنصر مادی شناخته می‌شود (Doyle, 2011). در سطوح ایالتی نیز رفتار فیزیکی، چه در بیمه شخص ثالث و کارگران، از نوع فعل مثبت می‌باشد. برای مثال در ماده ۸۱۷ بخش ۲۳۴ قانون جزای فلوریدا می‌خوانیم: «هرکس با قصد فریب یا صدمه زدن به بیمه‌گر هرگونه اظهارنامه کتبی یا شفاهی خلاف واقع در ارتباط با پرداخت خسارت یا مزایای بیمه تهیه، ارائه دهد یا سبب ارائه آن شود یا هر شخص که در تصادف عمدی برای دریافت خسارت من غیر حق مشارکت و برنامه‌ریزی نماید مستحق حبس و جریمه نقدی است.» نکته دیگر اینکه حقوق آمریکا و انگلیس در موارد استثنایی، استفاده متقلبانه از بیمه را با ترک فعل ممکن دانسته که ناظر به جایی است که شخص به‌موجب قرارداد بیمه یا قانون، مکلف به بیان واقعیت است اما عمداً به‌قصد فریب از اظهار آن خودداری می‌کند (Ginsburg and Caruso, 2015). بر این حکم بند ۴ قسمت الف ماده اخیر تصریح دارد: «با به‌طور آگاهانه اطلاعات مربوط به هرگونه واقعیت را برای چنین کاربردی (صدور بیمه‌نامه یا ارائه خدمات درمانی و مراقبتی) بیان نکنند». یکی دیگر از موارد ترک فعل در استفاده متقلبانه، به مسئله نقض حسن نیت در قرارداد بیمه برمی‌گردد. گاهی شرکت‌های بیمه با قصد انتفاع، از طریق عدم رسیدگی صحیح به مطالبات بیمه، یا خودداری از

در آخرین اصلاحیه قانون بیمه شخص ثالث، قانون‌گذار تصدی به عملیات بیمه‌گری بدون مجوز را - که می‌تواند بدون بردن مال غیر تحقق یابد - کلاهبرداری تلقی نموده است که مؤید مستقل بودن جرایم موضوع مواد ۹۷ و ۶۱ می‌باشد.

به‌طور کلی، قانون‌گذار در برخی موارد به دلیل اتخاذ سیاست کیفری افتراقی و امکان اعمال مجازات شدید یا خفیف یا عدم پوشش عنوان مجرمانه عام بر همه مصادیق، تلاش می‌کند جرایمی را که با کلاهبرداری یا جعل شباهت دارد در قالب آن‌ها قرار ندهد و تحت عناوین مستقلی بگنجانند. در مواد ۶۱ و ۹۷ نیز از آنجاکه نمی‌توان همه مصادیق را با کلاهبرداری منطبق دانست، برای مثال استفاده از مزایای بیمه بدون تقلب با یک دروغ ساده نیز ارتکاب می‌یابد، از این رو قانون‌گذار به‌منظور رفع مشکل خارج شدن برخی از رفتارهای مضر اقدام به وضع نص مستقلی نمود. به‌علاوه، عمومی بودن اموال سازمان، ماهیت بین‌النسلی بودن بیمه اجتماعی و تعهد دولت در تأمین کسری‌های صندوق‌های تأمین خسارت بدنی، اقتضا می‌نماید سیاست کیفری مستقل و منعطفی را برای صیانت از اموال عمومی اتخاذ کند. البته جرم مستقل بودن استفاده متقلبانه از مزایای بیمه، ذات و ماهیت کلاهبرداری آن را تغییر نمی‌دهد. از این رو، در بحث از عناصر جرم می‌توان به اصول اساسی چون لزوم تقدم وسایل متقلبانه بر بردن مال و لزوم متقلبانه بودن رفتار فیزیکی و غیره تا حدی تمسک جست. فایده دیگر این بحث اینکه هرگاه مصادیقی از تحصیل متقلبانه در قالب ماده ۶۱ یا ماده ۹۷ ننگند، با تحقق سایر شرایط می‌توان مرتکب را تحت عنوان کلاهبرداری مجازات کرد.

شرایط مادی تحقق جرم

جرم تحصیل متقلبانه منوط به تحقق شرایطی در موضوع جرم و مرتکب است. دو نظام حقوقی تشابهات و تفاوت‌هایی در این خصوص دارد که در ادامه می‌آید:

رفتار فیزیکی

افکار و مقاصد مجرمانه باید از حالت فکر و تهیه نقشه خارج گردیده و به مرتبه عمل برسد (Ardebili, 2018; Mohseni, 1997). در حقوق ما، جرم موضوع ماده ۶۱ قانون بیمه و ماده ۹۷ ق.ت.ا، تنها با ارتکاب فعل مادی مثبت قابل تحقق است و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی آن قرار گیرد. از این رو، اگر در اثر اشتباه سازمان، فردی مشمول مزایا قرار بگیرد و وی با اطلاع از این که شرایط قانونی برخوردار از مزایا را ندارد عامدانه از بیان آن خودداری کند، عمل وی جرم محسوب نمی‌گردد. از عبارت «با انجام اعمال متقلبانه» «تصادف ساختگی»، «تعویض خودرو»،

موضوعیت داشته و جرم حتماً باید با استفاده از وسایل و روشی باشد که شخص در اثر استفاده از آن وسیله متقلبانه، از مزایای صندوقها برخوردار گردد؛ در غیر این صورت به استناد ماده نمی‌توان کسی را محکوم کرد. البته نوع وسیله موضوعیت ندارد، به عبارت دیگر در این که حتماً باید از وسیله متقلبانه و خلاف واقع استفاده شود شکی نیست ولی نوع وسیله متقلبانه (سند، گواهی خلاف واقع و غیره) اهمیت و موضوعیت ندارد و مهم فقط متقلبانه و غیرواقعی بودن وسیله است. عنصر متقلبانه بودن در حقوق آمریکا از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا جرم استفاده متقلبانه نیاز به بردن مال توسط مجرم و یا حتی وقوع ضرر بر بیمه‌گر و بیمه‌گذار ندارد (Zalma, 2019).

در ماده ۶۱ قانون بیمه وسایل نقلیه، حتی رکن مادی جرم مقید به استفاده از یک وسیله‌ای خاص چون سند، گواهی و یا سایر وسایل نیست، بلکه ارتکاب عملیات متقلبانه برای تحقق جرم کفایت می‌کند. به همین خاطر مقنن از تصادف ساختگی و تعویض خودرو نام می‌برد که نشان می‌دهد ملاک و ضابطه، رفتار متقلبانه است نه استفاده از وسیله.

همچنین ضرورت ندارد که تهیه‌کننده و سازنده اسناد و گواهی‌های خلاف واقع خود شخص استفاده‌کننده باشد، بلکه اگر اسناد و وسایل تقلبی توسط دیگری ساخته شود نیز مرتکب در صورت استفاده از آنها جهت برخورداری از مزایا مستوجب مجازات خواهد بود، چون عنصر مادی این جرم همانند استفاده از سند مجعول است. به تصریح ماده ۱۰۳۳ قانون جزای فدرال، استفاده از سند مجعول لازم نیست؛ همین که مرتکب به قصد فریب، سبب ایجاد اسناد خلاف واقع شود کفایت می‌کند.

اظهارات خلاف یا اغراق‌آمیز، اعمال متقلبانه

در حقوق آمریکا، طیف وسیعی از رفتارها در ماده ۱۰۳۳ و قوانین ایالتی عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد. یکی از این رفتارها «اظهارات خلاف یا تهیه و ارائه گزارش نادرست و کمک به تهیه آنهاست. در این شکل رفتار، کارمند یا بیمه‌شده از ابتدا یک ادعای نادرستی به صورت کتبی یا شفاهی بیان می‌کند. مثلاً برای دریافت مستمری بیکاری ادعا می‌کند شغلش را از دست داده یا در هنگام کار صدمه‌ای بر او وارد شده است؛ یا دارنده اتومبیل به دروغ ادعا می‌کند ماشین مورد تعمیر قرار گرفته یا دچار آتش‌سوزی شده است. اسناد و گزارش نادرست می‌تواند جعلی یا غیر مجعول باشد اما برای اینکه بتوان متهم را مشمول ماده ۱۰۳۳ کرد دو شرط لازم است، ۱- اسناد و گزارش و اظهارات، خلاف و متقلبانه باشد. ۲- در ارتباط و در حمایت از مزایای بیمه‌ای باشد. ۳- اظهارات همچنین باید به منظور اعمال نفوذ در اقدامات آن شخص به یک

پرداخت کامل خسارت، یا انکار پوشش بیمه نسبت به مطالبه خسارت و مزایا و یا تأخیر در رسیدگی، بیمه‌شده را از مزایای قانونی‌اش محروم می‌سازند که عمده این رفتارها از جنس فعل سلبی هستند. اکثر قوانین ایالتی در این زمینه دارای مقررات خاصی هستند که مجازات‌هایی برای این گونه ترک فعل بیمه‌گر که تشکیل‌دهنده تقلب با نقض حسن نیت هستند، در نظر گرفته است (Edwards, 2021; Dionne and Laberge-Nadeau, 1999; Portman, 2021). همچنین در جاهایی که بیمه‌نامه‌ها (بیمه اجتماعی و سلامت) توسط کارفرما ارائه می‌شود، ترک فعل همراه با قصد فریب مطابق ماده ۱۰۲۷ قسمت ۱۸ و قانون امنیت درآمد بازنشستگی کارکنان ۱۹۹۴ معروف به erisa می‌تواند عنصر مادی جرم استفاده متقلبانه را تشکیل دهد. به موجب این ماده: «هر کس عمداً با قصد فریب، در اسناد مورد نیاز مزایای رفاهی و بازنشستگی، حقیقت را پنهان کند یا از افشای اطلاعات لازم استنکاف ورزد به حداکثر ۵ سال و جریمه یا هر دو محکوم می‌شود.»

دیوان عالی آمریکا نیز در آرای مختلفی نظیر *Universal health.v.United States* (2016) رأی داد که اظهارات متقلبانه و کلاهبرداری می‌تواند از طریق ترک فعل و تقصیر نیز تحقق یابد (California. Judicial Council, 2003). اما با توجه به دشواری ذاتی در شناسایی جزییات یک ترک فعل، دادگاه‌های مختلف معتقدند که الزامات قانونی (اثبات اینکه چه زمانی، کجا، چگونه و چه کسی ارتکاب یافته) در مورد ادعای تقلب از طریق ترک فعل بایستی کمتر و با تسامح اعمال شود. برای رفع مشکل ناسازگاری ترک فعل با الزامات اثبات راه‌حلی طراحی داده‌اند؛ اینکه شاکای موارد ذیل را با جزییات ذکر کند؛ ۱- رابطه یا موقعیتی که باعث ایجاد وظیفه است. ۲- رویداد و دوره زمانی کلی که در رفتار متقلبانه رخ داده. ۳- محتوای کلی اطلاعاتی که از آن خودداری شده. ۴- هویت افرادی که چنین وظیفه‌ای دارند. ۵- آنچه متهم با مخفی نگه داشتن به دست می‌آورد. ۶- خسارتی که شاکای متحمل شده (دعوی بریدن علیه ریچموند در ۱۹۹۷ Edward, 2016).

در تبیین عنصر مادی جرم، قانون‌گذار منطوق ماده ۶۱ را نسبت به ماده ۹۷ بهتر تنظیم کرده و با عبارت مطلق و تمثیلی «انجام اعمال متقلبانه» و ذکر واژه «مانند» تلاش کرده است بی‌حشو و زائد، همه مصادیق رفتارهای متقلبانه‌ای را که منجر به برخورداری خلاف حق از خسارت می‌شود، جرم‌انگاری نماید. اما در ماده ۹۷ استناد به اسناد گواهی خلاف واقعی در صورتی ذکر شده است که عبارت توسل به وسایل تقلبی در معنای عام خویش، اسناد خلاف واقع را نیز در برمی‌گیرد.

در هردو نظام ایران و کامن‌لا، وسیله ارتکاب در این جرم

عنصر مادی آنها با یکدیگر فرق دارد؛ ولی در رابطه بین استفاده از اسناد جعلی و جرم تحصیل متقلبانه مزایا سه دیدگاه وجود دارد. نظریه تعدد معنوی: برخی از حقوقدانان و رویه قضایی، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تام را از نوع تعدد معنوی به شمار می‌آورند (Azimzadeh, 2016; Goldouzian, 2019); با (Judiciary Research Institute, 2013; Shahidi, 1996). این رویکرد در خصوص استفاده از سند مجعول و جرم ماده ۶۱ نیز احکام تعدد معنوی حاکم است زیرا در جرم موضوع ماده ۶۱ فعل واحد، توسل به وسیله تقلبی است که با استناد به سند مجعول به منصف ظهور رسیده که مشمول دو ماده ۵۳۶ ق.م.ا و ماده ۶۱ است. از آنجاکه نسبت به همزمانی جرایم جعل و استفاده از سند مجعول اختلاف نظری وجود ندارد و آرای وحدت رویه شماره ۱۱۸۸-۱۳۳۶/۳/۳۰ و رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۲۸/۱/۱۳۷۷ دیوان عالی کشور تصریحاً مورد را از مصادیق تعددی مادی دانسته است، لذا در مثال حاضر هرگاه مرتکب بدو اسنادی را جعل کند و سپس با ارائه آن به شرکت‌های بیمه یا صندوق تأمین خسارت بدنی نتواند وجهی را دریافت کند به استناد مواد ۱۳۱ و ۵۳۶ ق.م.ا و آرای وحدت رویه باید برای هر کدام از جرم جعل و سوءاستفاده از سند مجعول مجازات جداگانه‌ای را (بین میانگین تا حداکثر مجازات قانونی) تعیین نمود و سپس اشد آن را بر مرتکب اعمال کرد؛ اما چنانچه مرتکب موفق به تحصیل نتیجه یعنی خسارت شود در این صورت دادرس او را محکوم به مجازات جرم جعل (حداکثر کیفر) و مجازات جرم موضوع ۶۱ (حداکثر کیفر) خواهد کرد، با این شرح که از بین استفاده از سند مجعول و جرم موضوع ماده ۶۱، با اعمال قاعده تعدد معنوی، جرم با مجازات اشد را برمی‌گزیند و سپس با توجه به اینکه جرم اخیر با جعل، تعدد مادی مختلف کمتر از سه جرم را تشکیل می‌دهد در صورت صلاحدید حداکثر مجازات آن را تعیین می‌کنند تا در نهایت مجازات اشد بر مرتکب اعمال شود. نظریه تعدد مادی: اکثریت حقوقدانان و قضات در همزمانی استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری یا انتقال مال غیر، قائل به تعدد مادی جرم و قاعده جمع مجازات‌ها هستند، در نتیجه برای هر یک مجازات مستقل تعیین می‌شود، اما مطابق ماده ۱۳۴ تنها مجازات اشد اعمال می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۵). این نظریه استدلال می‌کند که تعدد معنوی در صورتی اتفاق می‌افتد که عمل ارتكابی واحد باشد حال آنکه در ما نحن فیه اعمال متعددی (توسل به سند، بردن مال غیر) صورت گرفته است که هر یک واجد عنصر قانونی علی حده ای است، از این رو، این فرض محلی از اعراب ندارد (بشریه، ۱۳۹۴، ص ۵۶). جرم استفاده از سند مجعول جرمی مطلق است و برای تحقق آن حصول نتیجه مورد نظر مرتکب و به دست آوردن منافع مادی

مقام نظارتی بیمه یا منصوب‌شده وی ارائه شود. گاهی تقلب در بیمه به این شکل است که به فرد خسارت وارد شده است اما او برای کسب سود، این خسارت را اغراق‌آمیز و بیشتر از حد واقعی نشان می‌دهد. ماده ۱۰۳۳ صراحتاً از ارزش‌گذاری بیش از حد اموال و دارایی سخن گفته است. در حقوق آمریکا، مصادیق استفاده متقلبانه به این دو رفتار منحصر نیست، بلکه رفتار متعددی چون ایجاد صدمات عمدی، ایجاد تصادف، ابداع هرگونه طرح و تصنعی یا کمک به ابداع، دریافت بیمه‌نامه خودرو در مناطق با حق بیمه کمتر، نپرداختن و کاهش دادن خسارت قانونی بیمه‌گذار در قوانین فدرال و ایالتی جزو عنصر مادی ذکر شده است. در حقوق ما محروم کردن بیمه‌گذار از مزایای قانونی، جرم استفاده متقلبانه به حساب نمی‌آید.

برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۱ هر رفتار و عملی مشروط بر این که متقلبانه باشد کفایت می‌کند. بنابراین، صحنه‌سازی تصادف ساختگی، یا تعویض خودرو تصادف، یا هرگونه ایجاد خسارت عمدی دیگر نظیر آتش زدن ماشین، انداختن آن به دره، خودزنی، سبب تحقق جرم می‌شود. این افعال جنبه تمثیلی دارد و رفتار فیزیکی جرم منحصر به موارد یاد شده در قانون نیست. صحنه‌سازی و تصادف ساختگی بارزترین نوع تقلب در صنعت بیمه است. این کار با هدف سندسازی به منظور دریافت خسارت مالی و جانی از شرکت بیمه صورت می‌گیرد. تصادف ساختگی در اشکال متعددی بروز می‌کند؛ گاهی دو وسیله با یکدیگر تصادف می‌کند و یا وسیله نقلیه با جدول و غیره برخورد می‌کند یا اینکه ماشین معیوب به گونه‌ای در کنار هم چیده می‌شود تا تصادف را تداعی کنند یا فرد مجروح شده، با وسایل موتوری، ساختگی تصادم می‌کند یا واقعاً ماشین عمداً به او زده می‌شود تا جراحات مستوجب دیه‌ای ایجاد شود. تصادف ساختگی گاهی به صورت انفرادی و گاهی به صورت سازمان‌دهی شده با هماهنگی چند طرف ذی نفع (نماینده بیمه یا کارکنان و ذی نفع) صورت می‌گیرد (Asadinejad et al., 2019).

تحصیل مزایای بیمه‌ای با جعل و استفاده از سند مجعول در قانون کیفری ماه هر سه عمل جعل سند، استفاده از سند مجعول و بهره‌مندی متقلبانه از مزایای بیمه‌ای مستقلاً جرم شناخته شده‌اند که ممکن است در مواردی در یک عمل مجرمانه جمع شوند، چنان که کارگری یا بیمه‌گذاری با جعل نظریه کارشناس تصادف، اقدام به استفاده از مزایای تأمین اجتماعی یا خسارت بیمه ثالث کند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که رابطه بین این جرائم از چه نوع تعددی است؟ در پاسخ باید گفت ارتکاب توأمان جعل گواهی و جرم موضوع ماده ۶۱ تعدد مادی از نوع مختلف است، چون که ماهیت رفتار فیزیکی و حتی زمان وقوع

مقدمه بودن برخی از جرایم

اندکی از قضات قائل به تعدد معنوی جرم می‌باشند و جرایم جعل سند و استفاده از سند مجعول را که هدفش ارتکاب کلاهبرداری است و فی‌النفسه برای مرتکب موضوعیت ندارد، به‌عنوان مقدمه جرم کلاهبرداری می‌دانند و مرتکب را تنها بابت جرم نهایی مجازات می‌کنند. دادگاه تجدیدنظر تهران در یکی از آراء می‌نویسد: «نظر به اینکه بزه جعل و معاونت در جعل مقدمه بزه کلاهبرداری بوده است، لذا تعیین مجازات علی‌حده و جاهتی نداشته است (رای شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲ مورخ ۹۳/۱۱/۱۳ پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۴، ص ۱۸؛ رای شماره ۴۲۲-۹۳/۴/۲۲ دادگاه تجدیدنظر، پژوهشگاه، ۱۳۹۱، ص ۴۹). این دیدگاه صرف نظر از اینکه با آرای وحدت رویه تعارض دارد بر مبنای محکم حقوقی استوار نیست، زیرا جرایم مقدماتی منصرف به مواردی است که بین جرایم مقدم و غایی ارتباط تنگاتنگ برقرار است و این جرایم لازم و ملزوم یکدیگرند و نمی‌توان آن دو را بدون یکدیگر متصور شد، حال آنکه جرم کلاهبرداری می‌تواند بدون استفاده از سند مجعول نیز محقق شود.

برخی از نویسندگان حقوقی این نظریه را موافق اصول می‌دانند، به این شرح که مطابق اصول حقوقی هرگاه اعمال مختلفی برای ارتکاب جرمی صورت گرفته باشد نمی‌توان شخص را به مجازات جمیع رفتارهای ارتکابی محکوم نمود، چرا که بر اساس فلسفه حاکم بر مجازات‌ها اصولاً شخص باید متحمل مجازات عملی گردد که غایت قصد وی بوده است و هرگاه عمل یا اعمال قبلی مطلوب و مقصود فرد نبوده و تنها از آن به‌عنوان طریقی برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد و به‌عبارت دیگر نفس اعمال پیشینی برای او موضوعیت ندارد، نمی‌توان او را به مجازات آن عمل محکوم کرد، چون نه تمایل واقعی برای آن جرم داشته و نه لزوماً ذهنیت خطرناک برای ارتکاب دارد و نه ارتکاب آن اعمال برای وی موضوعیت دارد. آنچه در رأی وحدت رویه مورد اشاره قرار گرفته موافق اصول حقوقی به نظر نمی‌رسد، لذا تنها آن را باید بر قدر متیقن یعنی ارتکاب جعل و سند مجعول و بدون کلاهبرداری، صادق و در آن مورد لازم‌الاتباع دانست و تسری آن به سایر موارد صحیح نیست (Bashiriyeh and Bashiriyeh, 2014).

در حقوق آمریکا، هرگاه اقدام متقلبانه برای مزایای بیمه همراه با جعل باشد دادستان به خاطر وقوع چند رفتار، برای متهم دو جرم اعلام می‌نماید. در این سیستم تقسیم‌بندی تعدد به مادی و معنوی وجود ندارد. تعدد جرم به جرائمی اشاره دارد که بیش از یک قانون را نقض کند. سیاست کیفری در تعدد این است که برای هریک از جرایم جداگانه رسیدگی و مجازات تعیین شود و قاعده جمع مجازات اعمال می‌گردد، با این پیش‌فرض که اقتضای محکومیت متعدد

و معنوی شرط نیست، بلکه صرف استعمال سند موجب تحقق جرم می‌شود (Azimzadeh, 2016; Goldouzian, 2019). اما (Judiciary Research Institute, 2013; Shahidi, 1996). اما برای تحقق جرم کلاهبرداری علاوه بر استفاده از سند مجعول، به فعل دومی یعنی بردن مال غیر نیز نیاز داریم که متفاوت از عمل استفاده کردن می‌باشد.

در تأیید این نظریه می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶ اشاره کرد که در صورت ارتکاب جعل و استفاده از سند مجعول توسط مرتکب واحد به جمع مجازات‌ها نظر داشته است. دیوان عالی کشور در آرای متعددی این دیدگاه را پذیرفته و اشعار می‌دارد اگر به‌وسیله جعل سند یک کلاهبرداری واقع شود تحقق این نتیجه منافی جنبه جزای جعل نیست، بلکه مورد از موارد تعدد جرم است (رای شماره ۹۱۰۹۹۷۲۲۳۰۱۰۰۵۰-۹۱/۷/۳۰ شعبه ۲۳ تجدیدنظر تهران، پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۴، ص ۳۲ و ۳۴). با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه در فرضی هم که استفاده متقلبانه از مزایای بیمه‌ای با جعل و استفاده از سند مجعول همراه گردد، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال شده و برای هر یک از این جرائم مجازات مستقل تعیین می‌شود، ولی تنها مجازات اشد اعمال می‌گردد. برخلاف قانون سابق که کلیه مجازات‌ها با هم جمع می‌گشت، در قانون مجازات اصلاحی ۱۳۹۹ فرمول تعیین کیفر و گستره تشدید تغییر یافت. به‌طورکلی، قانون‌گذار جدید رویکرد نظام‌مندتری نسبت به مقوله تعدد جرم داشته است. قانون‌گذار در این قانون اولاً تعدد جرم را در همه جرایم پیش‌بینی نمود، ثانیاً، برای نخستین بار محدوده تشدید مجازات را به‌خوبی مشخص کرده است. البته امر تشدید مجازات منحصر به جرایم تعزیری است و قانون‌گذار، تشدید را هرگز از طریق جمع مجازات‌ها دنبال نکرده است. به‌موجب ماده ۱۳۴، قانون‌گذار دو وضعیت را از هم تفکیک کرده است: حالتی که فردی مرتکب حداکثر سه جرم می‌شود و حالتی که وی مرتکب بیش از سه جرم شده است. در فرض اول، مجازات هر یک بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر خواهد بود و به نظر از حداکثر فراتر نخواهد رفت و اما درحالت دوم مجازات هریک از جرایم حداکثر مجازات قانونی است که در این صورت دادرسی می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر تا یک‌چهارم آن تعیین کند (ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹).

قانون‌گذار با این تفکیک به‌زعم خود خواسته است رویکرد معقولانه‌ای را به خصوص در مورد حالت اخیر در پیش بگیرد. بدیهی است فردی که مثلاً مرتکب هفت جرم شده باشد با جمع مجازات‌ها ممکن است حبس از عمر انسان فراتر رود که عملی غیرمنطقی است. از این‌رو، قانون‌گذار در حالت اخیر، مجازات افزایش را تا یک‌چهارم بیش از حداکثر محدود ساخت.

وسایل و عناوین متقلبانه‌ای می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند که در عرف اداری شکل واقعی آنها مورد پذیرش باشد.

شرایط و اوضاع احوال

سه موضوع سمت مرتکب، فریب قربانی، لزوم و عدم لزوم نتیجه از شرایط مهم جرم در هردو نظام حقوقی است که در ذیل مورد ارزیابی قرار گیرد.

سمت مرتکب

با توجه به لفظ عام (هرکس) که در مواد ۹۷ و ۶۱ به کار برده شده، مرتکب این جرم می‌تواند هر شخص و حتی نهاد یا سازمانی باشد و هیچ نوع خصوصیت و صفت خاصی در مرتکب شرط نیست. بنابراین هر شخص حقیقی و حقوقی اعم از زن و مرد و کارمند و غیره می‌تواند فاعل این جرم باشد و مجازات نسبت به همه آنها به‌طور یکسان اعمال می‌گردد که از نظر سیاست کیفری معقول به نظر نمی‌رسد، زیرا در جرایمی که توسط کارمندان در حوزه ادارات و سازمان‌ها و مرتبط با وظایف آنها صورت می‌گیرد، چون ارتکاب چنین جرائمی با سهولت بیشتری همراه بوده و امکان کشف جرم نیز به‌سختی مقدور است و همچنین به دلیل تضعیف حس اعتماد عمومی، معمولاً برخورد شدیدتری نسبت به مرتکبین عادی با آنها می‌شود. همانند جعل و کلاهبرداری و تخریب و غیره که در قانون مجازات، برای مرتکبی که مأمور دولتی یا عمومی باشد، مجازات شدیدتری وضع شده است. درحالی‌که در این مواد هیچ تفاوتی میان مرتکبین عادی و کارکنان بیمه قائل نشده‌اند، شاید به این دلیل که ماده بیشتر به دنبال جبران خسارات وارده به بیمه‌گر می‌باشد تا اعمال مجازات بر فاعلین.

در حقوق آمریکا، سمت مرتکب شرط است به صراحت قسمت الف ماده ۱۰۳۳، جرم تنها زمانی محقق می‌شود که مرتکب از افرادی باشد که در تجارت بیمه بین ایالتی فعالیت می‌کند. بنابراین، یک شخص عادی ذی نفع مانند دارنده بیمه خودرو و یا کارگران نمی‌تواند مرتکب جرم فوق گردد یا در قسمت ب ماده آمده: «هرکس که مدیر، افسر، نماینده و کارمند کسی است که در زمینه تجارت بیمه فعالیت می‌کند و مرتکب جرایم اختلاس و تصرف و سوء استفاده از وجوه... گردد»، در این ماده نیز فاعل بایستی وصف اشتغال در تجارت بیمه را دارا باشد.

در قوانین ایالتی نیز بین مرتکبان عادی با کارمندان و مأموران دولتی تفاوت وجود دارد و هرگاه مرتکب از افراد دولتی یا از کارکنان شرکت بیمه باشد میزان مجازات بالاتر می‌رود، حتی در برخی موارد پاره‌ای از اشکال استفاده متقلبانه به کارکنان دولتی و مأموران عمومی محدود شده است (Zalma, 2019).

همزمان، اجرای همزمان مجازات‌هاست (Ryberg et al., 2017). یعنی اگر محکوم به ۵ سال و ۲ شود با اجرای همزمان کیفر نهایتاً ۵ سال زندان خواهد دید. مطابق قانون پیشگیری مصوب ۱۹۶۱ و قوانین ایالتی قضات با توجه به نوع جرم و تعداد دفعات جرائم و خصوصیات، مجازات را تعیین می‌کند، همچنین دادگاه می‌تواند در حکم دستور دهند که مجازات‌ها به‌صورت همزمان یا متوالی (تجمیع) به اجرا درآید (ماده ۶۵۴ الف کالیفرنیا، ماده ۷۰، ۲۵ قانون کیفری نیویورک (Girdenis, 2009)).

توسل به عناوین و وسایل تقلبی

سومین عبارت به کارفته در ماده ۹۷ ق.ت.ا برای تبیین رفتار فیزیکی «توسل به عناوین و وسایل تقلبی» و دقیق‌تر از آن لفظ «عملیات متقلبانه» در ماده ۶۱ است. در قوانین ما تعریفی از عناوین و وسایل تقلبی مشاهده نمی‌شود و بایستی برای دانستن معنا و مصادیق آن به عرف رجوع کرد. از لفظ عنوان در ماده ۱ قانون تشدید نیز استفاده شده است که به نظر برخی «منظور از عنوان، تیترا دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی یا غیر دولتی است. علاوه بر آن عناوین خویشاوندی نیز مشمول این قسمت از ماده هستند، مثل اینکه کسی خود را فرزند دیگری یا شخصی را به‌عنوان همسر خود معرفی نماید (Sadeghnejad Naeiny and Khanalipoor Vajargah, 2018) و از این طریق خود یا دیگری را مشمول مزایای تأمین اجتماعی قرار دهد.

وسایل به معنی ابزار و شیء است که انسان از آن برای امری استفاده می‌کند. در مفهوم وسیع، برای راه و روش و عمل انسانی نیز از لفظ وسایل استفاده می‌شود. برخی در تعریف وسایل تقلبی گفته‌اند «عرفاً وسایل تقلبی شامل انواع مکر و حيله و خدعه و تقلب است» (Goldouzian, 2019)، از این رو، با توجه به این تعریف ذکر اسناد و گواهی و عناوین در ماده ۹۷ زائد می‌باشد زیرا بر اساس تعریف، وسایل تقلبی، انواع تقلب را شامل می‌گردد و یکی از وسایل تقلبی نیز عناوین تقلبی است.

نکته قابل ذکر اینکه قانون‌گذار به بعضی از مصادیق عناوین و وسایل تقلبی از باب تمثیل اشاره نموده و تطبیق عمل با قانون را کاملاً به عهده قاضی وانهاده است تا بتواند هر نوع جعل عنوان و هر وسیله‌ای را که عرفاً متقلبانه به حساب می‌آید مشمول ماده نماید. ایراد مهم وارد بر این نحوه قانون‌گذاری، خروج از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست، زیرا گنجاندن عبارت مفهومی در ماده اجازه تفاسیر متعدد و شخصی را به قاضی داده و احتمال تضییع حقوق و آزادی‌های فردی را به دنبال دارد. البته با عنایت به اینکه مجنی علیه این جرم سازمان و شرکت های بیمه است، مسلماً

لزوم یا عدم لزوم اغفال بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارت دو نظام حقوقی در این شرط تفاوت ساختاری با یکدیگر دارد، گرایش نظام حقوقی آمریکا به حذف شرط فریب از ارکان جرم تقلب در بیمه است اما قانون‌گذار ما آن را شرط ضروری عنصر مادی جرم می‌داند.

نظریه لزوم اغفال

جرایم موضوع ماده ۶۱ و ماده ۹۷ به لحاظ ماهوی نوعی کلاهبرداری است که شرط اساسی تحقق آن اغفال قربانی است، یعنی قربانی باید فریب خورده باشد و با رضایت کامل برای به دست آوردن منافع بیشتر مال خود را در اختیار کلاهبردار قرار دهد. ماده ۱ قانون تشدید در تأیید این شرط می‌گوید هر کس با حیله و تقلب مردم را فریب دهد، لذا کسی را که با استفاده از دارو، دیگری را بی‌هوش نموده و مالش را برمی‌دارد نمی‌توان به کلاهبرداری محکوم کرد، بلکه اطلاق عنوان «سرقت» بر عمل او مناسب‌تر می‌باشد. نکته دیگر اینکه لازمه اغفال و فریب قربانی، عدم آگاهی او نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار می‌باشد (Habibzadeh, 1998; Mir Mohammad Sadeghi, 2019). همچنین، بزه دیده کلاهبرداری باید منحصراً شخص حقیقی و یا حقوقی از طریق نمایندگانش باشد، بنابراین، اشیاء و حیوانات نمی‌تواند موضوع فریب باشد. در ماده ۶۱ مقنن اشاره‌ای به لفظ «فریب و اغفال» نکرده است، اما با وحدت ملاک از کلاهبرداری و تمسک به اصول حقوقی چون تفسیر به نفع متهم می‌توان گفت از دیگر شرایط ضروری تحقق عنصر مادی اغفال بیمه‌گر یا سازمان تأمین اجتماعی است. به این صورت که توسل به وسایل متقلبانه و ارائه اسناد و گواهی‌های غیرواقع باید سبب اغفال سازمان و شرکت‌های بیمه یا نمایندگی‌های مجاز آن شده و در اثر این اغفال مزایای قانونی به شخص فاقد صلاحیت ارائه گردد. این شرط به اندازه‌ای اهمیت دارد که فقدان آن علیرغم انجام کامل عنصر مادی، مانع تحقق جرم خواهد شد. بنابراین، اگر کسی بدون اینکه اقدام به استفاده از وسایل متقلبانه نماید و با دفترچه قانونی دیگری از مزایای درمانی استفاده نماید، به دو دلیل نمی‌توان وی را مجازات کرد؛ ۱- استفاده از وسیله متقلبانه و استناد به اسناد خلاف واقع شرط تحقق عنصر مادی است که در اینجا وجود ندارد. ۲- به فرض پذیرش عمل مرتکب به عنوان جعل عنوان (معرفی خود به جای صاحب اصلی) با توجه به اینکه عمل ارتكابی وی چنان واضح و آشکار است که امکان اغفال بیمه‌گر وجود نداشته و بدون آن نیز جرمی به وقوع نخواهد پیوست، لذا عمل مرتکب مستوجب کیفر نخواهد بود (مگر اینکه عکس صاحب دفترچه شباهت زیادی با استفاده‌کننده غیرقانونی داشته باشد که فقط در این مورد خاص

جرم قابلیت تحقق خواهد داشت). البته سازمان از بابت استفاده بلاجهت می‌تواند با ارائه دادخواست زیان وارده به خود را مطالبه نماید.

نظریه عدم لزوم اغفال بیمه‌گر

در حقوق آمریکا در سطح فدرال استفاده متقلبانه از بیمه در قالب جرم کلاهبرداری تحت پیگرد قرار می‌گیرد. به موجب ماده ۱۰۰۱ فریب قربانی به عنوان یک اصل و شرط لازم است و بایستی از اظهارات و عملیات متقلبانه و ساختگی مرتکب ناشی شود. به بیان دیگر، قربانی در اثر اتکا و اعتماد به رفتارهای مرتکب، فریب خورده و مالی را از دست می‌دهد (Long and Cameron, 2001). اما در صورت خاص استفاده متقلبانه از بیمه که در ماده ۱۰۳۳ و ۱۳۴۷ جرم انگاری شده اند، قانون‌گذار صرفاً به قصد فریب مرتکب و متقلبانه بودن عملیات اشاره کرده و لزومی به اغفال بیمه‌گر و سازمان نمی‌بیند. هدف از این کاهش شرایط، مقابله با نفس تقلب در بیمه فارغ از نتیجه است و مقنن موفقیت در نتیجه را تنها در میزان مجازات دخالت می‌دهد. قانون‌گذاران ایالتی نیز با پیروی از این رویه، اغفال قربانی (بیمه‌گر و بیمه شده) را در استفاده متقلبانه از مزایای شرط نمی‌دانند، از این رو، صرف ارائه یک گزارش کتبی یا شفاهی با اطلاعات غیر واقعی عنصر مادی را تکمیل می‌سازد.

در حقوق ایران، عدم تصریح به قیود «فریب و اغفال» در ماده ۶۱، برداشت دیگری را به ذهن متصور می‌سازد که هرگاه مرتکب بدون آنکه کارکنان بیمه از اقدامات وی فریب بخورند، خسارتی را من غیرحق دریافت کند باز مورد مشمول ماده ۶۱ خواهد بود. برای مثال، ممکن است کارکنان بیمه خود با متقاضی تبنانی کنند و یا آنها آگاهانه با مشارکت یکدیگر جرم را انجام دهند که در این حالت با آنکه فریبی نسبت به احدی صورت نگرفته، موضوع مشمول ماده ۶۱ خواهد بود. گاهی نیز مسئول مربوطه با اطلاع از وضعیت اقتصادی مرتکب، هنگامی که مرتکب، سند یا وسایل متقلبانه را به او می‌دهد یا افسر پلیس در گزارش و کروکی، تصادف صوری را یک تصادف اصلی معرفی می‌کند، سکوت اختیار کرده و از روی حس ترحم، خدمات و مزایای را در اختیار شخص مزبور قرار می‌دهد. در این مورد هم به‌رغم منتفی بودن فریب، کیفر ماده ۶۱ درباره مرتکب اجرا می‌شود، زیرا منطوق ماده می‌گوید: «هر کس با عملیات متقلبانه ... خسارتی را دریافت دارد» و نمی‌گوید: «با عملیات متقلبانه کسی را فریب دهد و مزایایی را ببرد». ما اگر این قسم را جرم ندانیم بخش بزرگی از خساراتی که من غیرحق از بیمه‌ها ستانده می‌شود بدون ضمانت اجرای قوی خواهد بود، زیرا در داریی‌های اشخاص حقیقی همواره یک نفر به اسم مالک می‌کوشد با مراقبت و مقابله با متقلب از داریی

فعل، این بهره‌مندی را تسهیل کند. ماده ۹۷ در این خصوص اشعار می‌دارد: «هرکس با توسل به وسایل متقلبانه ... موجبات استفاده افراد خانواده خود یا ثالث را از مزایای مزبور فراهم سازد.»

نتایج و بحث

از حیث نتیجه حقوق آمریکا به دلیل سیاست کیفری امنیت مدار، تحصیل مال و منافع را کلاً لازم نمی‌داند و اگر هم در عمل ضرری از جرم واقع شده باشد مالی بودن آن شرط نیست، اما قانون‌گذار ما تنها زمانی مرتکب را مجرم می‌داند که مزایا را تحصیل نموده باشد.

لزوم انتفاع مرتکب در حقوق ایران

برخلاف قانون تأمین اجتماعی، قانون‌گذار در ماده ۶۱ قانون بیمه از عبارت «وجوهی را بابت خسارت دریافت کند» استفاده کرد که مقید بودن جرم استفاده متقلبانه از مزایای بیمه‌ای را ثابت می‌کند. همان‌گونه که در کلاهبردای لفظ «بردن مال» را به کار برد تا بر تحصیل نفع برای مرتکب یا شخص مد نظر او به عنوان نتیجه مجرمانه تأکید کند، در اینجا نیز تا زمانی که مرتکب موفق به تحصیل مال شرکت یا صندوق تأمین خسارت بدنی نگردد عمل وی در قالب شروع به جرم تعقیب می‌گردد نه جرم تام. همچنین تعیین مجازات جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی، برای جرم نیز قرینه‌ای بر مقید بودن آن است.

نکته دیگر اینکه قید «بابت خسارت» در ماده نباید این تصور را ایجاد کند که اگر کسی وجوهی را به عناوین دیگری مانند دیه دریافت کرده باشد عمل او مشمول ماده نمی‌گردد، بلکه این لفظ از باب غلبه به کار رفته است و افاده انحصار نمی‌کند. این جرم از حیث نتیجه یک تفاوت اساسی با کلاهبرداری و جرم موضوع ماده ۹۷ ق.ت. دارد. در کلاهبرداری شرط نیست که حتماً مرتکب مالی را ببرد، همین که فرد مورد نظر او منتفع شود کفایت می‌کند. اما در ماده ۶۱ قانون‌گذار «دریافت خسارت توسط خود مرتکب» را شرط تحقق نتیجه می‌داند؛ زیرا هیچ اشاره‌ای به دریافت وجوه توسط دیگران یا افراد خانواده مرتکب در ماده نشده است. بنابراین، اگر فاعل عمل متقلبانه با دریافت‌کننده وجوه، یک نفر نباشد، هیچ‌کدام به جرم تام محکوم نمی‌شود چه بسا عمل آنها مجرمانه هم نباشد، زیرا در اولی سوء نیت خاص یعنی قصد بردن مال شرکت منتفی است و در شخص دوم عنصر مادی «توسل به وسایل متقلبانه» وجود ندارد.

به نظر نگارندگان، در این صورت فرد نخست تحت عنوان شروع به جرم تعقیب می‌شود، چرا که جزء اول جرم را مرتکب شده است. البته این نظر با این ایراد که جرم به‌طور کامل تحقق یافته، روبه‌رور است.

خود صیانت کند. اما در بیمه‌ها که دارایی به یک شخص حقوقی تعلق دارد در بسیاری از موارد خود نماینده با تبانی با مرتکب یا سهل‌انگاری می‌خواهند از اموال بیمه نفع ببرند، لذا مقنن برای تحت پوشش قراردادن این موارد آگاهانه از کاربرد فریب خودداری کرد. در واقع یکی از دلایلی که مقنن صور خاص کلاهبرداری را در قوانین پیش‌بینی می‌کند، پرکردن خلأهایی است که کاملاً با کلاهبرداری منطبق نیست. یکی از این موارد پیش‌بینی‌شده ماده ۶۱ قانون بیمه است. همان‌گونه که در مثال‌های فوق ملاحظه می‌گردد ما با توسل به وسایل متقلبانه مواجه هستیم اما کسی اغفال و فریب نخورده ولی مالی از بیمه و صندوق‌ها برده شده است. برای پاسخ به چنین خلأهایی مقنن اقدام به پیش‌بینی موارد خاص می‌کند.

در مثال یادشده کارمندی که با علم به صحنه‌سازی بودن تصادف، از روی ترحم سکوت پیشه کرده و اقدام به پرداخت خسارت می‌کند، عمل وی تحت عنوان معاونت در جرم موضوع ماده ۶۱ قابل تعقیب است، زیرا مرتکب با سکوت خود زمینه تسهیل وقوع جرم را فراهم کرده و رفتارش با بند پ ماده ۱۲۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ انطباق دارد. این نظر با دیدگاه کسانی که معاونت را از طریق ترک فعل نیز قابل تحقق می‌دانند هم‌راستا است. به اعتقاد آنها خویشتنداری به‌منظور تسهیل وقوع جرم و یا خودداری از منع ارتکاب جرم که از آن افاده‌ی تحریک یا ترغیب شود ممکن است نوعی معاونت تلقی گردد. در این باره به نظر می‌رسد باید میان کسی که شاهد و ناظر ارتکاب جرم بوده و نقش انفعالی در وقوع آن داشته است و کسی که رفتارش دلالت بر پیوند معنوی با مباشر جرم اصلی می‌کند قائل به تفکیک شد. در حالت دوم، سکوت نوعی اعانت بر جرم است (Noorbaha, 2012; Ardebili, 2018; Mohseni, 1997).

با این حال، در دکترین غالب حقوقی و فقهی، فعل منفی از قبیل سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب جرم نمی‌تواند عنصر مادی معاونت در جرم را تشکیل دهد و تفسیر به نفع متهم هم این دیدگاه را تقویت می‌کند (Mir Mohammad Sadeghi, 2019; Zeraat, 2013). از این‌رو، در مسئله حاضر نمی‌توان کارمند بیمه را به صرف سکوت، به حبس محکوم کرد. مگر اینکه کارمند وظیفه قانونی تأیید اصالت تصادف را داشته باشد که در این صورت با ثبت دستور پرداخت و امضای اسناد، او در واقع یک عمل مثبت مادی انجام داده است نه ترک فعل خالص.

این دشواری برای رهایی کارمند ساکت در ماده ۹۷ ق.ت. وجود ندارد، زیرا قانون‌گذار کسی را که موجبات استفاده ثالث از مزایای بیمه‌ای را فراهم کرده، فقط زمانی مجازات می‌کند که او وسایل متقلبانه را شخصاً به کار گیرد نه در مواردی که با ترک

فرد دوم هم اگر با مرتکب وحدت قصد داشته و با این کار وقوع جرم را تحصیل کرده باشد تعقیب وی تحت عنوان معاونت در شروع به جرم محتمل است. با این حال نظر اقوی، مجرمانه نبودن عمل تحصیل کننده مال است و او صرفاً از باب شدن بلاجهت موظف به استرداد وجوه دریافتی است. به علاوه، همان گونه که بعد خواهد آمد، چون شروع به این جرایم با توجه به قانون کاهش حبس ۱۳۹۹ دیگر وصف جزایی ندارد، لذا به دلیل عاریتی بودن معاونت، عمل معاون هم جرم نخواهد بود. حاصل آنکه کسی که با توسل به وسایل متقلبانه زمینه استفاده ثالث از مزایای بیمه شخص ثالث را فراهم کرده باشد مجازات ندارد، ولی اگر موجبات استفاده ثالث از مزایای تأمین اجتماعی را فراهم سازد به مجازات جرم مستقل موضوع ماده ۹۷ محکوم می شود. آخرین مطلب قابل ذکر در عنصر مادی اینکه این جرایم از نوع مرکب می باشد.

مطلق بودن

در ایالات متحده جرم استفاده متقلبانه از بیمه، در همه انواع اقسام خود در مواد ۱۰۳۳ و ۱۳۴۷ مقید به نتایج خاص نیست. با صرف انجام عمل مادی حیل و تقلب توسط مجرم، جرم محقق می شود. با این حال، نتایج حاصل از جرم از حیث تعیین میزان و نوع کیفر کاربرد مهمی دارد. مثلاً به موجب بندهای ماده ۱۰۳۳ هرگاه عمل متقلبانه منجر به زیان شرکت یا ایجاد محدودیت یا انحلال توسط دادگاه گردد میزان کیفری از ۱۰ سال به ۱۵ سال افزایش پیدا می کند. یا بر اساس ماده ۱۳۴۷ اگر عملیات متقلبانه منجر به صدمه روحی و جسمانی شود متخلف ممکن است تا ۲۰ سال زندان شود. در قوانین ایالتی نیز (ماده ۵۵۰-۵۴۹، کالیفرنیا، کد بخش ۸۱۷،۲۳۴ فلوریدا) مادامی که مظنون مرتکب عملی شده و قصد فریب بیمه گر یا بیمه شده را دارد جرم محقق می شود و موفقیت آمیز بودن یا نبودن این امر اهمیتی ندارد. در واقع، انتفاع مرتکب یا ضرر واقعی به قربانی شرط نیست و لزوماً نباید هیچ پول و دارایی توسط قربانی از دست برود (Neil Shouse, 2021; Edward, 2016). با این حال، مقنن با توجه میزان مزایای مورد ادعا و ضرر قربانی، درجه کیفر را پیش بینی کرده است. برای مثال در کارولینا اگر میزان خسارت کمتر از ۱۰ هزار دلار باشد میزان زندان کمتر از سه سال خواهد بود.

شروع به جرم تحصیل متقلبانه

تفاوت دیگر نظام حقوقی ما با آمریکا در بحث شروع به تقلب در استفاده از مزایا است. این تفاوت در دو جا مشاهد می شود، یکی در وصف مجرمانه و دیگری در قاعده تعیین کیفر آن.

شروع به جرم در بیمه اجتماعی در سال ۱۳۹۲ قانون گذار با تغییر رویکرد، علاوه بر اینکه بر دامنه جرم انگاری شروع به جرم نسبت به قانون پیشین افزود، نوع کیفری های پیش بینی شده را نیز تحت قاعده ویژه درآورد. بر اساس بند پ ماده ۱۲۲، شروع به جرم، اختصاص به جرایم دارای مجازات قانونی شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه ۵ و کمتر دارد (Qiasi and Salimi, 2016; Sadeghnejad and Khanalipoor Vajargah, 2018). و چون جرم موضوع ماده ۹۷ در بار اول مستحق جزای نقدی و برای بار دوم موجب حبس تا شش ماه یعنی درجه ۶ است، در نتیجه مرتکب شروع به استفاده متقلبانه از مزایای بیمه اجتماعی قابل تعقیب نخواهد بود مگر آنکه عمل وی مستقلاً جرم شناخته شود. این در حالی است که در حقوق آمریکا شروع به تقلب بیمه ای در بازنشستگی و بیمه سلامت قانوناً مجازات مباشر را دارد، ۱۰۳۵ می گوید: «هرکس طرحی و تصنعی ابداع کند یا تلاش برای ابداع کند... به حبس تا ۱۰ محکوم می شود...»

شروع به جرم موضوع ماده ۱۶

برخلاف قانون تأمین اجتماعی، قانون گذار شروع به تحصیل متقلبانه مزایای شخص ثالث را آشکارا جرم انگاری و برای آن مجازات خاص در نظر گرفت. مطابق ماده ۶۱ «شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می باشد.» برای مثال، اگر راکبین دو دستگاه خودرو اقدام به صحنه سازی تصادف نمایند و اما افسر راهور با ملاحظه شواهد و بازبینی دوربین، متوجه واقعیت شده و آنها را دستگیر کردند، عملشان مصادق شروع به جرم خواهد بود. در اینجا سؤالاتی مطرح می شود که آیا موضوع، مشمول ماده ۶۱ به عنوان جرم خاص می باشد یا شروع به کلاهبرداری از بیمه نیز بر آن صدق می کند و مقررات تعدد معنوی مجری خواهد بود؟ از حیث مجازات جایی که مرتکبین موفق به دریافت وجه نگردیده اند، علاوه بر جزای نقدی درجه ۵، مجازات شروع به جرم فوق نیز برای ایشان وضع شده است، حال با توجه به قانون مجازات اصلاحی ۱۳۹۹ که همه مصادیق خاص شروع به جرایم خاص را نسخ و مجازات آنها را تحت ماده ۱۲۲ درآورد، کیفر مرتکبین چگونه خواهد بود؟

الف- اعمال جزای نقدی مقرر در ماده ۱۶ برای شروع:

در پاسخ، برخی از قضات معتقدند موضوع تحت عنوان شروع به صحنه سازی و تصادف صوری مستند به قسمت اخیر ماده ۶۱

نیستند، لذا مرتکبین شروع به جرم موضوع ماده ۶۱، مسئولیت کیفری نخواهند داشت. خلاف اصل بودن مجازات شروع به جرم (Qiasi and Salimi, 2016)، و تفسیر به نفع متهم هم مؤید این دیدگاه است.

تسری قانون کاهش مجازات حبس به قلمرو جرم انگاری تمامی مصادیق خاص شروع به جرم، جرم نشناختن آنها، باعث می‌شود عمل و رویکرد مقنن در آن قوانین خاص عبث و بیهوده گشته و اهداف او نقض گردد. برای مثال حذف شروع به جرم تحصیل متقلبانه مزایای بیمه‌ای، عملاً تشویق و ترغیب مجرمان به تحصیل خسارت من غیرحق است. در واقع ماده ۱۵ قانون کاهش با یک جمله، تمامی زحمات و سیاست مقنن در نهاد بیمه را خنثی ساخته است.

برای اجتناب از این نتایج و پیامدهای سوء، ممکن است چنین تفسیر شود که اولاً منظور و غرض مقنن تنها نسخ شیوه مجازات دهی مصادیق خاص شروع به جرم است نه جرم انگاری آن، یعنی در هر صورتی شروع به جرایم خاص، عملی مجرمانه است، اما مجازات آن تحت شمول عموماً ماده ۱۲۲ قرار می‌گیرد، تفسیری که شیوه نگارش و اطلاق ماده ۱۵ با آن همخوانی ندارد. ثانیاً از عنوان قانون کاهش حبس تعزیری و جایگزین شدن ماده ۱۵ به جای ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی، مستفاد می‌شود که قانون مزبور، حاکم و ناظر بر قانون مجازات اسلامی و مصادیق خاص شروع به جرم در آن نظیر شروع به جعل، شروع به سرقت و... هستند، همچنان که در ماده ۷۲۸ سابق تعیین تکلیفی برای سایر قوانین نشده بود. در پاسخ باید گفت هیچ مانعی وجود ندارد که مقنن در یک مقرر به نسخ قوانین خاص غیر مرتبط بپردازد.

نکته آخر این که منظور از عبارت «تحت همین عناوین» در ماده ۱۵ قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹ این است که قانون‌گذار برای شروع به جرم یا معاونت تحت عنوان شروع به جرم یا معاونت در جرم تعیین مجازات کرده باشد، مانند شروع به جعل، شروع به سرقت ۶۵۵، معاونت در قتل عمد به شرح تبصره ماده ۶۱۲ قانون مجازات. از این رو، مصادیق و مواردی که رفتار معاون به‌عنوان جرم مستقل پیش‌بینی و برای آن مجازات خاصی مقرر شده است، از شمول ماده مذکور خارج است. یکی از این مصادیق، قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی (فراهم کردن موجبات استفاده دیگران از مزایای بیمه) است که با آنکه ماهیتاً معاونت در جرم تلقی می‌شود اما قانون‌گذار آن را جرم مستقل شناخته و همانند جرم اصلی مجازات می‌کند.

عنصر معنوی

برای تحقق جرم، انجام عمل به تنهایی کافی نیست؛ فعل

قانون خاص بیمه اجباری رسیدگی می‌شود و چون اساساً اصل مجازات درجه ۶ می‌باشد، در شروع به این بزه، وفق ماده ۱۲۲ ق.م.ا حبس منتفی است لیکن متهمین به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌گردند (Judicial meeting, 2019)؛ این نظر با دیدگاه کسانی که با وجود ماده ۱۲۲ قائل به عدم نسخ شروع به جرم‌های پیش‌بینی‌شده در قوانین خاص هستند همخوانی دارد (Ardebili, 2018; Qiasi and Salimi, 2016; Poorbafrani, 2013). بر این دیدگاه ایراد جدی وارد است؛ اگر ماده ۶۱ تابع مقررات ماده ۱۲۲ است طبق بند (پ) در جرایم حبس تعزیری درجه ۶، کلاً شروع به جرم منتفی است حال چگونه حکم به جزای نقدی می‌دهند؟

حقوق آمریکا در سطح ملی یک قانون کلی برای شروع به جرم ندارد؛ اما در عوض شروع به برخی از جرایم نظیر شروع به قتل، تحصیل متقلبانه مزایا به‌صورت موردی جرم انگاری شده‌اند. مقنن به دو شیوه عمل می‌کند، گاهی زمان توصیف جرم در کنار جرم تام با ذکر «تلاش برای ارتکاب» شروع را همانند جرم اصلی مجازات می‌کند یا در آخر فصلی شروع به جرائم آن بخش را کیفر گذاری می‌کند. در خصوص استفاده متقلبانه به ماده ۱۳۴۹ اصلاحی استناد می‌کنند که برای شروع، کیفر جرم کامل را پیشنهاد کرده است، یعنی تا ده سال حبس. به‌طور کلی، قاعده اولیه در آمریکا، مجازات یکسان برای شروع و جرم تام است که با اختیارات قضایی تعدیل می‌شود (Congresional Research Service, 2020). از این رو، هم در قلمرو و هم کیفیت مجازات، میان دو نظام تفاوت وجود دارد.

فقدان وصف جزایی

با تصویب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس ۱۳۹۹ باید نظریه نسخ را ترجیح داد و گفت ماده ۱۲۲ شروع به جرم‌های مندرج در قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص را به استثنای مصوبات مجمع نسخ می‌کند (Mir Mohammad Sadeghi, 2019). و از این پس شرایط تحقق و مجازات شروع به جرایم تابع عموماً ماده ۱۲۲ خواهد بود. اداره حقوقی نیز در نظریه مشورتی متعدد همین نظر را اختیار کرده و مقرر می‌دارد: «در شروع به جرم مذکور در ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث ۱۳۹۵ که قبلاً به‌طور خاص برای شروع به جرم، مجازات تعیین کرده است نیز مطابق مقررات عام مربوط به شروع جرم مذکور در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی رفتار می‌شود.» در مسئله حاضر، چون مجازات جرم تام تصادف ساختگی برای دریافت خسارت از نوع حبس تعزیری درجه ۶ محسوب می‌شود و وفق ماده ۱۲۲ ق.م.ا، شروع به جرم در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ قابل مجازات

مدارکی که در اختیار دارد واقعی و معتبر هستند از بیمه استفاده نماید، درحالی‌که در این مورد دچار اشتباه بوده است مستوجب مجازات نخواهد بود و همین‌طور هرگاه کارگری به‌اشتباه نامش در لیست بیمه قرار گرفته باشد و سابقه‌ای برای وی ثبت گردد و او بدون اطلاع از این موضوع از مستمری‌های بیمه استفاده کرده باشد، محکوم به مجازات نمی‌شود و تنها مسئولیت مدنی دارد.

انگیزه و هدف مرتکب نیز هیچ تأثیری در تحقق این جرم ندارد. بنابراین اگر کسی از روی دلسوزی و ترحم یا به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی کسی، برای برخورداری وی از مزایای تأمین اجتماعی متوسل به وسایل متقلبانه گردد، عمل وی جرم تام و کامل بوده و قابل مجازات خواهد بود.

ضمانت اجراها

پاسخ‌های کیفری در ماده ۷۹

قانون‌گذار در مبارزه با استفاده من غیر حق از مزایای بیمه اجتماعی و صندوق تأمین خسارت بدنی و بیمه شخص ثالث، سیاست کیفری متفاوتی اتخاذ کرده است؛ سیاست کیفری ملایم‌تر در ماده ۹۷ و سیاست کیفری سختگیرانه در قانون بیمه شخص ثالث. به نظر این تفاوت محصول دو عامل است؛ یکی زمان تصویب قوانین و تحولات مبنایی در قانون‌گذاری و دیگری ماهیت متفاوت بیمه‌های اجتماعی با بیمه‌های قراردادی.

غالباً تأمین اجتماعی را جزو حقوق عمومی و حاکمیتی دولت‌ها (Dupeyroux et al., 2001; Iraqi, 2005; Nasiri, 2003)

می‌دانند که، ۱- رابطه دولت و اشخاص را در زمینه برخورداری از حق تأمین اجتماعی تنظیم می‌کند. ۲- قوانین و مقررات آن امره و در پی دستیابی به منافع عمومی است. این ویژگی‌ها سیاست کیفری سازگار با اموال عمومی را اقتضا می‌کند، اما مقنن به دلایلی نامشخصی رویکردی ملایم‌تری را اتخاذ کرده است.

مطابق ماده ۹۷ ق.ت.ا، مجازات این جرم «پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان... در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه» می‌باشد. چنانکه ملاحظه می‌گردد، مجازات اصلی جزای نقدی است که به طریق نسبی نیز معین شده است؛ اما ایراد مهم وارد بر آن این است که با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۰۶ قانون تأمین اجتماعی وجوه حاصل از جرایم نقدی باید به حساب سازمان واریز گردد اصول حاکم بر مجازات‌ها رعایت نشده است.

سیاست کیفری سختگیرانه در ماده ۱۶

در مقایسه با بیمه اجتماعی، قانون‌گذار نسبت به تحصیل متقلبانه مزایا در بیمه‌های خسارت و اکنش سخت‌گیرانه نشان داد. این شدت عمل از دو جنبه مشاهده می‌شود؛ نخست قانون‌گذار ضمانت اجرای مالی (جزای نقدی) را توأم با مجازات سالب آزادی

مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد، ارتکاب جرم با تظاهر نیت سوء و یا خطای مجرم است مشروط بر این‌که فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست‌کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار آگاه باشد (Ardebili, 2018; Goldouzian, 2014; Noorbaha, 2012). در هر دو نظام حقوقی، جرایم مذکور در مواد ۹۷ ق.ت.ا و ماده ۶۱ ق.ب با توجه به اصل عمدی بودن جرایم از نوع عمدی بوده و شرایط تحقق عنصر معنوی آن عبارت‌اند از: علم و عمد، علم یعنی اطلاع و آگاهی از اینکه وسایلی که استعمال می‌گردد خلاف واقع و تقلبی است و اینکه وی قانوناً صلاحیت دریافت خسارت و استفاده از مزایای مقرر را ندارد و عمد یا اراده یعنی خواستن و به‌کارگیری وسایل تقلبی جهت برخورداری از مزایای مقرر به نفع خود یا دیگری.

در حقوق آمریکا نیز عبارت *knowingly, willfully* در مواد ۱۰۳۵، ۱۰۳۳ و ۱۰۳۰ به‌صراحت دلالت در عمدی بودن جرم دارد؛ بنابراین تقلب در بیمه، مستلزم آن است که متهم آگاهانه اظهارت غلط یا عمل متقلبانه را انجام دهد. به بیان دیگر، صرف دروغ گفتن یا کتمان کردن واقعیت مهم و مؤثر کافی نیست، بلکه او باید بداند آنچه می‌گوید دروغ است یا بداند آنچه می‌گیرد حق اونیست. اثبات این امور بر عهده دادگاه است (Edward, 2016).

گاهی قانون‌گذار وجود جرم را منوط به داشتن قصد مشخص کرده که فاعل برای تحقق آن کوشیده است. برای مثال، در سرقت فاعل باید قصد تحصیل نتیجه یعنی بردن مال غیر را داشته باشد تا بتوان فعل ارتكابی را عمد شناخت. در هر دو نظام، جرم استفاده متقلبانه از بیمه به یک سوءنیت خاص احتیاج دارد. در ایران، خواستن نتیجه حاصله که همان انتفاع مرتکب یا آماده نمودن موجبات استفاده شخص ثالث است در ماده ۶۱ قصد «تحصیل خسارت برای خود» سوءنیت خاص جرم را تشکیل می‌دهد، اما اگر وی قصد داشته باشد که شخص دیگری وجهی را از شرکت‌های بیمه دریافت کند، به علت فقدان سوءنیت خاص جرم محقق نمی‌شود. این امر یکی از نواقص اساسی در جلوگیری از تقلبات بیمه‌ای است.

اما سوء نیت خاص در آمریکا تنها قصد بردن مال توسط خود یا دیگری نیست، بلکه قصد فریب قربانی معیار است که آسیب زدن به قربانی یا محروم‌سازی وی از مزایا را نیز در برمی‌گیرد. از سوی دیگر ضرر در اینجا محدود به امور مالی نیست بلکه هرگونه زیان مالی و غیرمالی را شامل می‌شود. در واقع اتهام تقلب در بیمه ثالث، دادستان را وارد می‌کند تا ثابت کند که متهم به‌منظور جمع‌آوری اموال بیمه‌گر، عمداً ماشینش را تخریب کرده است؛ یا برای اینکه حق بیمه کمتری پرداخت کند در محله دیگری خودرو را ثبت و بیمه‌نامه اخذ کرده است (Bergman and Berman, 2018; Zalma, 2019).

اگر کسی به تصور اینکه مستحق دریافت خسارت است و

پنجاه هزار دلار دارد و اما اگر منجر به نتایجی شود زندان تا ۱۵ سال افزایش می‌یابد. مرتکب تقلب در برنامه مراقبت بهداشتی تا حداکثر ۵ سال حبس یا جریمه معادل آن محکوم می‌شود. نکته جالب اینکه استفاده متقلبانه در بیمه اجتماعی همانند حقوق ما، در ماده ۱۰۰۳ عنوان ۱۸ به نسبت، مجازات (زندان تا ۵ سال و جریمه نقدی معادل آن) کمتری دارد. اگر استفاده متقلبانه علیه شرکت سپرده بیمه فدرال باشد، مرتکب حداکثر زیر یک میلیون دلار یا تا ۳۰ سال زندان دارد؛ اما اشکال کم‌اهمیت استفاده متقلبانه، درجه مجازات پایین دارد که عمدتاً در قوانین ایالتی تعیین شده‌اند (رک ماده ۵۵۰ و ۵۴۹ کالیفرنیا). نکته دیگر اینکه حبس در برخی ایالت‌ها تابعی از ضرر وارده است.

قواعد شکلی

دادگاه کیفری دو، صالح به رسیدگی به جرم استفاده متقلبانه از مزایای بیمه است که براساس ماده ۱۰۷ قانون تأمین اجتماعی رسیدگی خارج از نوبت خواهد بود، لکن در قانون بیمه شخص ثالث مقرره‌ای در این خصوص به چشم نمی‌خورد. در حقوق آمریکا، جرم تحصیل متقلبانه مشمول مرور زمان می‌شود. در قوانین ما نیز از آنجا که هر دو جرم در زیرمجموعه تعزیرات به مفهوم قانون مجازات ۱۳۹۲ قرار می‌گیرند در نتیجه مشمول مرور زمان خواهند بود (Khaleghi, 2022).

نکته دیگر اینکه قانون‌گذار رسیدگی به جرایم مقرر در مواد ۹۷ تا ۱۰۶ را منوط به شکایت سازمان کرده است که بر قابل گذشت بودن دلالت می‌نماید، ولی تحصیل متقلبانه در بیمه شخص ثالث با توجه به اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم، جرمی غیرقابل گذشت به حساب می‌آید. مگر اینکه مرتکب از افراد زیر ۱۸ سال باشد و جرم هم دارای بزه دیده باشد (قسمت اخیر ماده ۱۰۴ اصلاحی ق.م.ا).

بر این دوگانگی، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ را افزود و تغییراتی را پیش‌بینی کرد که با برخی قوانین بیمه‌ای در حوزه مجازات تعارض دارد. برای مثال مجازات تصدی به عملیات بیمه‌گری بدون مجوز در فرض وجود بزه دیده (می‌تواند فاقد بزه دیده باشد) با اعمال ماده ۱۱ قانون فوق، به نصف تقلیل می‌یابد اما ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث، با وجود آنکه از نظر ماهوی مشابه کلاهبرداری است که تا میزان یکصد میلیون تومان قابل گذشت شناخته شده است، نه تنها مجازاتش تقلیل نمی‌یابد بلکه به‌طور مطلق غیرقابل گذشت تلقی می‌شود. وفق ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹ «کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه دیده... قابل گذشت است» شروطی که هیچ‌یک از آنها در تحصیل متقلبانه خسارت بیمه‌ای برقرار نیست. بر این رویکرد ایراداتی وارد است؛ اصولاً چه خصوصییتی در جرم کلاهبرداری یا

برای مرتکب در نظر گرفت، دوم: روش گام‌به‌گام را کنار گذاشت و اعمال کیفر حبس برای ارتکاب در بار نخست را الزامی کرد. به‌علاوه، میزان و درجه کیفر حبس نیز نسبت به قانون تأمین اجتماعی یک درجه افزایش یافته است. ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث مقرر می‌دارد مرتکب «به حبس تعزیری درجه ۶ و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می‌شود» که مقدار این حبس وفق ماده ۱۹ قانون مجازات «بیش از ۶ ماه تا دو سال» تعیین شده است. امروزه با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جهان، ضمانت اجراهای مالی به‌عنوان پاسخی مناسب در برابر تخلفات اقتصادی تلقی می‌شود (Kazemi, 2007). درواقع، علت شناسایی جزای نقدی این است که معمولاً مرتکبین این تخلفات به دنبال سود و درآمد اقتصادی و امتیازات اجتماعی هستند؛ لذا قانون‌گذار برای از بین بردن انگیزه ارتکاب جرم و بازدارندگی بهتر، از آنها استفاده می‌کند. در تعیین میزان جزای نقدی از دو الگو جزای نقدی ثابت یا نسبی استفاده می‌شود. مقصود از جزای نقدی نسبی، مقدار پولی است که میزان آن برحسب مورد بر اساس معیار خاصی که در قانون مصرح است محاسبه می‌شود؛ لذا جزای نقدی نسبی، قابلیت انعطاف بیشتری دارد و به عدالت و انصاف نزدیک‌تر خواهند بود. با دقت در ماده ۶۱ در می‌یابیم که در استفاده متقلبانه از مزایای بیمه‌ای الگوی جزای نقدی نسبی برگزیده شده است که میزان آن معادل دو برابر «وجوه دریافتی» خواهد بود. در اینجا معیار و ضابطه محاسبه، مجموع مبالغی است که مرتکب از شرکت بیمه یا صندوق تأمین خسارت بدنی دریافت کرده باشد نه میزان خسارت وارده بر صندوق، چراکه ممکن است خسارت وارده بر بیمه‌گر بیشتر از وجوه دریافتی باشد. برای مثال، با پرداخت خسارت شرکت نتواند از عهده سایر تعهدات مالی برآید و مجبور به پرداخت وجه التزام یا جریمه به طلبکاران باشد و از این حیث زیان اضافی متحمل شود. ملاحظه می‌گردد از حیث معیار محاسبه جزای نقدی نیز بین قانون تأمین اجتماعی با قانون بیمه شخص ثالث تفاوت وجود دارد. برای ارزیابی و برآورد مبلغ دریافتی کافی است مبالغ واریزشده به حساب مرتکب جمع گردد، اما ارزیابی میزان خسارت وارده به سازمان نیازمند ارجاع امر کارشناس است تا ضررهای مستقیم را از ضررهای بعید تفکیک کند.

نسبت به ایران، سیاست کیفری آمریکا هم از حیث قلمرو رفتارهای مجرمانه در بیمه و هم از حیث پاسخ‌ها شدیدتر و متنوع‌تر است و دولت فدرال نسبت به ایالت‌ها هم مجازات شدیدتری اعمال می‌کند. در نظام کیفری آمریکا کلاً چهار نوع مجازات برای تحصیل متقلبانه تعیین می‌شود. حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و مراقبت مشروط (مواد ۱۰۳۳، ۱۰۳۰، ۱۰۳۵، عنوان ۱۸). شیوه قانون‌گذار این است که برخی از اشکال استفاده متقلبانه را جدا کرده و برای آنها حبس و جزای نقدی شدیدتری تعیین می‌کند. برای مثال جرم موضوع ماده ۱۰۳۳ تا ۱۰ سال زندان یا جریمه نقدی تا

صندوقها و منافع شرکت‌های بیمه صیانت نماید. به‌ویژه آنکه با اعمال قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، مجازات حبس به جایگزین‌های حبس تبدیل می‌گردد که بازدارندگی ناچیز موجود را نیز بی‌اثر می‌سازد. برای مثال شروع به جرم ماده ۶۱، به‌موجب ماده ۱۵ قانون کاهش دیگر جرم نیست که به نوعی ترغیب و تشویق افراد به تلاش برای تحصیل متقلبانه خسارت است. از حیث پوشش تقلبات، نواقص و خلأهایی جدی وجود دارد. مثلاً، درباره تحصیل متقلبانه خسارات در بیمه‌های اموال و سلامت و اشخاص تاکنون مقرر خاصی وضع نگردیده است.

۴- سیاست کیفری آمریکا با طیف وسیعی از استفاده متقلبانه برخورد کرده و از مجازات شدیدتر و متنوع‌تری بهره جسته است. علاوه بر این، از منافع بیمه‌گذار هم حمایت کرده و محروم‌سازی متقلبانه آنها از مزایا را جرم دانسته است. لازم است قانون تأمین اجتماعی اصلاح گردد و مجازات ماده ۶۱ بیمه ثالث هم به درجه ۵ افزایش یابد تا ضمن تقویت بازدارندگی، شروع به آن نیز وصف جزایی پیدا کند.

مشارکت نویسندگان

گردآوری داده‌ها، تحلیل، تطبیق، ویرایش و اصلاحات علمی پژوهشی: نویسنده اول، گردآوری داده‌ها، تحلیل، تطبیق، ویرایش و اصلاحات علمی پژوهشی: نویسنده دوم.

تشکر و قدردانی

همه کسانی که در انجام تحقیق ما را یاری نمودند به ویژه از داوران محترم به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی به عمل می‌آوریم.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوءرفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

کپی‌رایت نویسنده(ها) ©2022: این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 اجازه استفاده، اشتراک‌گذاری، اقتباس، توزیع و تکثیر را در هر رسانه یا قالبی مشروط به درج نحوه دقیق دسترسی به مجوز CC منوط به ذکر تغییرات احتمالی بر روی مقاله می‌باشد. لذا به استناد مجوز مذکور، درج هرگونه تغییرات در تصاویر، منابع و ارجاعات یا سایر مطالب

جرم موضوع ماده ۹۷ وجود دارد که آنها را قابل گذشت می‌سازد، اما در جرم ماده ۶۱ این‌گونه نیست؟ از طرفی وقتی تحصیل متقلبانه اموال سازمان که جنبه عمومی و بین نسلی دارد قابل گذشت می‌شود، به طریقت اولی باید این حکم به تحصیل مزایای بیمه‌های تجاری تسری یابد. در پاسخ به نظر می‌رسد افزایش نرخ بزهکاری بیمه در جامعه و ماهیت عمومی صندوق بیمه خسارت بدنی و اصل عمومی بودن جرایم، ما را مجاب می‌کند که از روش قانون‌گذار جدید دفاع کنیم.

جمع‌بندی و پیشنهادها

وقوع روزافزون تحصیل متقلبانه در همه رشته‌های بیمه‌ای، مقنن را ناگزیر ساخت در دو حوزه بیمه اجتماعی و حوادث وسایل نقلیه، دریافت متقلبانه را به‌عنوان جرمی مستقل شناسایی کند که از حیث ارکان و شرایط تحقق و پاسخ‌های کیفری با جرم کلاهبرداری تمایز دارد. در آمریکا نیز تقلب در همه رشته‌های بیمه‌ای، به‌ویژه در سطح ایالت‌ها جرم مستقلی است. با آنکه قانون بیمه شخص ثالث و قانون تأمین جزو قوانین خاص به شمار می‌رود، ولی قانون مجازات اصلاحی ۱۳۹۹ در حوزه تعدد، شروع به جرم و جایگزین‌های حبس و... بر آنها تسری می‌یابد. سایر نتایج تحقیق را می‌توان به شرح ذیل برشمرد.

۱- در هر دو نظام حقوقی جرم مزبور جرمی عمدی است که علاوه بر علم و آگاهی به متقلبانه بودن، قصد خاص تحصیل مزایا برای خود در ماده ۶۱ و ۹۷ قانون بیمه ثالث ضرورت دارد؛ اما در حقوق آمریکا سوءنیت خاص، علاوه بر کسب مزایا به قصد اضرار مالی و غیرمالی به قربانی توسعه یافته است.

۲- رفتار فیزیکی از نوع فعل مثبت هست، ولی در نظام آمریکا در موارد استثنایی ترک فعل هم قادر به تحقق جرم است. از حیث اوضاع‌واحوال، متقلبانه بودن عملیات شرط است که بایستی مقدم بر تحصیل وجوه و علت آن باشد؛ اما به نظر برخلاف کلاهبرداری لزومی به اغفال سازمان یا بیمه‌گر نیست. از جهت عنصر نتیجه نیز، جرم موضوع ماده ۶۱ و ۹۷ مقید بوده و انتفاع شخص مرتکب شرط است در حالی که در حقوق آمریکا، استفاده متقلبانه جرم مطلق است که نیاز به موفقیت مرتکب در کسب مزایا و مال یا متضرر شدن قربانی ندارد.

۳- سیاست کیفری قانون‌گذار ایران دوگانه و غیر منسجم است که در مقایسه با بیمه اجتماعی، در بیمه شخص ثالث، شکل سخت‌گیرانه‌تر دارد. این دوگانگی محصول دو عامل زمان و ماهیت مختلف بیمه‌هاست. به‌طور کلی مجازات‌های پیش‌بینی‌شده (جزای نقدی و حبس) کارآمد نبوده و بازدارندگی مطلوبی در جلوگیری از تحصیل متقلبانه مزایا ایجاد نمی‌کند و قادر نیست از دارایی‌های

Goldouzian, I., (2019). Private requirements of criminal law. Tehran: Mizan Publication. (In Persian)

Habibzadeh, M.J., (1998). An overview of the crime of fraud in Iranian law. *Judicial Mon.*, 2(8): 24-28 (5 pages). (In Persian)

Iraqi, E., (2005). Labor Law. Tehran: Samt Publications. (In Persian)

Judicial meeting, (2019). Punishment for starting a crime subject to Article 61 of the Compulsory Insurance Law for damages caused to third parties as a result of accidents caused by vehicles. (In Persian)

Judiciary Research Institute., (2013). Collection of judicial opinions of appeal courts of Tehran province (Criminal). Tehran: Department of Jurisdiction of the country. (In Persian)

Khaleghi, A., (2022). Criminal Procedure. Tehran: Shahre Danesh Publishing. (In Persian)

Kazemi, Q., (2007). Tracking, confiscation and confiscation of proceeds from corruption within the framework of the criminal justice system or outside of it. *Legal J. Justice*, 71(61): 149-164 (16 pages).

LaFave, W.R., (2017). LaFave's Criminal Law. West academic publishing: 845-898 (55 pages).

Long, L.C.; Cameron, R.W., (2001). Fraud litigation in pennsylvania. 1-57 (57 pages).

Mir Mohammad Sadeghi, H., (2019). Crimes against property and ownership. Tehran: Mizan publication. (In Persian)

Mohseni, M., (1997). General criminal law course: Criminal liability. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)

Mouzaffar, M.R., (1992). Principles of Jurisprudence. Qom: Danesh Islamic Publishing House. (In Arabic)

Nasiri, M., (2003). Basics of social security rights. Tehran: Higher Social Security Research Institute.

Neil Shouse, (2021). What is the punishment for insurance fraud in California.

Noorbaha, R., (2012). The field of general criminal law. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)

Poorbafrani, H., (2013). Crimes against persons (physical injuries). Tehran: Jangal Publications. (In Persian)

Portman, J., (2021). When your insurance company won't cover you: Fraud and bad faith.

Qiasi, J.; Salimi, E., (2016). The approach of the Islamic Penal Law approved in 2013 to the punishment of incomplete crime. *Criminal Law Doctrines.*, 13(12): 117-136 (20 pages). (In Persian)

Ryberg, J.; Roberts, J.V.; Keijsers, J.W.De., (2017). Sentencing multiple crimes. London: Oxford University Press.

Sadeghnejad Naeiny, M.; Khanalipoor Vajargah, S., (2018). Sentencing challenges for attempts in discretionary and multiple punishments in Islamic penal law 2013. *Law J. Justice*, 83(108): 143-162 (20 pages). (In Persian)

Shahidi, M., (1996). Issues surrounding the crime of using a forged document. *Judiciary Legal J.*, 4: 114, (In Persian)

Tavajohi, A.A.; Heydari Seraj, M., (2017). Regulations governing fraud in the insurance industry. *Iran. J. Insur. Res.*, 2(86): 87-104 (18 pages). (In Persian)

Universal Health Servs. V. United States ex rel. Escobar - 136 S. Ct. 1989 (2016)

Zalma, B., (2019). Insurance fraud volume II: How lawyers and claims people defeat insurance fraud. Independently Published.

Zeraat, A., (2013). General Criminal Law 1, 2. Tehran: Jangal Publications. (In Persian)

از اشخاص ثالث در این مقاله باید در این مجوز گنجانده شود، مگر اینکه در راستای اعتبار مقاله به اشکال دیگری مشخص شده باشد. در صورت عدم درج مطالب مذکور و یا استفاده فراتر از مجوز فوق، نویسنده ملزم به دریافت مجوز حق نسخه‌برداری از شخص ثالث می‌باشد.

به منظور مشاهده مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 به آدرس زیر مراجعه گردد:
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

یادداشت ناشر

ناشر نشریه پژوهشنامه بیمه با توجه به مرزهای حقوقی در نقشه‌های منتشر شده بی طرف باقی می‌ماند.

منابع

Ardebili, M.A., (2018). General criminal law. Volumes 1 and 2. Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)

Asadinejad, N.; Abbasi, A.; Pourhossein, M.; Yazdani, J., (2019). Pattern of false accidents in Mazandaran province forensic medical center in 2011-2016. *Iran. J. Forensic Med.*, 25(4): 201-207 (7 pages). (In Persian)

Azimzadeh, Sh., (2016). Conviction for using a fake document. *Rev. Jurisprudence.*, 1(1): 29-35 (6 pages). (In Persian)

Bashiriyeh, T.; Bashiriyeh, B., (2014). The ability to determine the punishment for the crime of introduction (case study in preliminary crimes for fraud). *Rai Q.*, 11(94): 54-58 (4 pages). (In Persian)

Bergman, P.; Berman, S.J., (2018). The criminal law handbook: Know your rights, survive the system, 15th edition. Nolo publishing. California. Judicial Council., (2003). Judicial council of california civil jury instructions. Thomson West.

Congresional research service., (2020). Attempt: An overview of federal criminal law. Congressional Research Service.

Dionne, G.; Laberge-Nadeau, C., (1999). Automobile Insurance: Road safety, new drivers, risks, insurance fraud and regulation. USA: Springer Science+Business Media, LLC.

Doyle, Ch., (2011). Mail and wire fraud: A brief overview of federal criminal law. Congressional Research Service.

Dupeyroux, J. J.; Borgetto, M.; Lafore, R.; Ruellan Dalloz, R., (2001). *Droit de la sécurité sociale*, 15th, ed.

Edward, C.C., (2016). Criminal law and procedure for the paralegal, third edition. ASPEN publishing.


Edwards, M.A., (2021). Fraud agnaist financial institutions: Judging materiality post-escobar. *William Mary Bus. Law Rev.*, 12(3): 620-684 (65 pages).

Ginsburg, E.; Caruso, C., (2015). Fraud by omission: An argument for broader disclosures and renewed enforcement, 35(1): 1-18 (18 pages).

Girdenis, T., (2009). The concept of multiple offenses: *Theor. Social Sci. Stud.*, 4(4): 141-157 (17 pages).

Goldouzian, I., (2014). General criminal law requirements. Tehran: Mizan Publication. (In Persian)

AUTHOR(S) BIOSKETCHES	معرفی نویسندگان
<p>علی خالقی، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران</p> <ul style="list-style-type: none">▪ Email: akhaleghi@ut.ac.ir▪ ORCID: 0000-0001-8326-7031▪ Homepage: https://lawpol.ut.ac.ir/~akhaleghi	<p>داود سیفی قره‌یتاق، استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، سیستان و بلوچستان، ایران</p> <ul style="list-style-type: none">▪ Email: dseify@uoz.ac.ir▪ ORCID: 0000-0003-2626-2837▪ Homepage: profile.uoz.ac.ir/resume/dseify

HOW TO CITE THIS ARTICLE	
<p><i>Khaleghi, A.; Seify Qareyataq, S., (2022). A comparative study of the crime of fraudulent use of insurance benefits in Iranian and American criminal law. Iran J. Insur. Res., 11(4): 339-356.</i></p> <p>DOI: 10.22056/ijir.2022.04.06</p> <p>URL: https://ijir.irc.ac.ir/article_143483.html?lang=en</p>	

شپړو، شپړو، شپړو
پرتال جامع علوم انسانی
شپړو، شپړو، شپړو